

حاجی زاده ساده لوح را تلف کرده باشند تا این مقدار حصه و بهره آنها شود از طرف دیگر سردار انجم آقا بالاخان که وزیر نظمی بود اول بعنوان جریبه و تعارف و ستر اعمال و اخیراً باسم رفاقت و دوستی و مهربانی و سایر اسامی مبتنی از او جلب کرد مکرر باره اشخاص در خارج شهر مجالس جشن ایشان را باشا کرده چیزهای فوق العاده حکایت میکردند - خلاصه این اشخاص قلاش بسر را سرگرم افعال غیر مستحسنة نموده مبالغ کلی دخل می بردند و خرج میشد - تدریجاً مایه رو به تنزل نهاد و بعضی ضررهای نجاران و مایه هم بمد کار گفته وقتی ملتفت شد که کار از کار گذشته بود با این حال باز هر چه حواست پسر را براه راست دلالت کند رندان طرار بگذارند بالاخره عنوان راه آهن شمیران را در میان آورد تا بدین وسیله پولی بدست آورده نگذارد رشته تجارتش از هم بگسلد گویا روسها مانع شدند

تدریجاً مسئله آفتابی شد طلبگاران از هر طرف هجوم کردند جمعی در صدد اصلاح کار برآمده ولی نه چنان حراب شده بود که قابل اصلاح باشد آنچه تا اول محرم معلوم شد فرضش به شصت هزار تومان که معادل سه میلیون فرانک باشد رسیده بود منجمله بانک روسی دو بیست و بیست تا سی هزار تومان - مجدداً سلطه شصت هزار تومان - ورثه آقا عبدالباقی ارباب بیست و چهار هزار تومان - حاجی صدرالسلطه دوازده هزار تومان - ارباب حمید و امین الضرب زاد علی الظاهر هر کدام شصت هزار تومان - رکن الدوله سی هزار تومان آقای بحرینی را هم بیکویند شصت هزار تومان و غیره و در مقابل این قروس سیصدالی چهار صد هزار تومان از نقد و جوس و اراضی و املاک و عمارات و بیل و مطالبات و سولی و لاوسولی بیشتر موجود نبود تاخر مزور بلا را از هر سمت برخود محیط و راه چاره را من جمیع الجهات مسدود یافت باز وقتی را بلیت و لعل میگذرانید و منظر مدد آسانی و اطف غیبی بود و هیچ راضی میشد که نام و رشکبستی و افلاس بخود گذارد همینکه

ملتفت شد بنگ روس سخت گیری کرده و دستخطی صادر نموده همه اموالش ضبط و در بین طلبگاران قسمت شود و مقدم بر جمیع طلبگاران قرض بنگ روس پرداخته آید این شدت سخت گیری بنگ کشی طوفانی او را یکدفعه غرق نمود و غیرت و حیثیت بر تاجر مزبور غلبه کرده تاب این ذلت و خفت را نیاورده در چهارم محرم مصمم خود کشی کشته تریاک زیاد خورده جان را بجان آفرین تسلیم نموده خود را از جنگ طلبگاران خودی و بیگانه خلاص نمود - پسرش نیز تاب این حمله را نیاورده طاقت دوستی اش با شیادان سابق الذکر به آنجا کشید که مقارن خود کشی پدر (استرکین والکی) زیاد صرف کرده در عین جوانی و کامرانی تقد عمر عزیز خود را فدای شرف و حفظ آبروی پدر نمود - و مادرش هم خود را از بام بزیر افکنده و پسر دیگر آقا غلامحسین مرحوم نیز در صدد خود کشی بود که جمعی ملتفت شده مانع شدند واقعاً وقوع این قضیه هائیه و حشقی قریب در اهالی افکنده و مزید بغض و عداوتشان باجنبان گردید - و بنگ روسی که باعث این همه تلفات گردید از قرار مذکور بمقصود خود نایل نشد یعنی مقرر گردید جمیع طلبگاران متساویاً ترکه او را تقسیم نمایند - واقعاً غیرت و حیثیت اینمرد قابل تمجید است در ملتیکه ناموس را شرفی نه و به تابی و تن پروری عادی و معتاد شده اند رسم شرف و ناموس را زنده کرد و نام بیک خود را در صفحه روزگار بیادگار گذاشت و سراوار است همه درباره ورثه اینمرد غیور طلبگاران و سایر ملت تعلق و مهربانی خود را دریغ ندادند

نام نیکی گر بماند زادمی

به کز او ماند سرای زرنگار

خداوند سرای مردمان با یک بدخس را همه خانواده های بزرگ را بر خاک مذلت مینشانند در کنار نهاد و سایر معتبرین و دولت مندان طارا از سرشان آسوده بمانند ! ! !

مکتوب از شام

در نصف راه بیروت و شام که همواره محل عبور شندفر میباشد - قریه هست (عالی) نام در آنجا تپه موجود است در ارتفاع ۷۰۰ متر که همه اوقات شندفر بر همان تپه بواسطه دندانهای مخصوص بلند شده و طی ارتفاع راه میکند چند روز قبل موجب حادث قطار شندفر بسرتپه مذکور رسیده - در آن وقت ناظر ماکینه ملاحظه نمود که دندانهای خطشکسته و نزدیک است قطار رو به عقب سرزیر شود ناچار قوت بخار را ضاعف نموده که شاید با سرعت تمام از سر تپه بگذرد یک مرتبه دیگر بخار از قوت هوای بخاری ترکیده ناظر ماکینه در جلو دیدگ بود حال آنکه از آن امدتات لوقوتیف و اطاقها یکدیگر زور آورده از طرف عقب با سرعت تمام سرزیر ناچاره دوپست عمل در روی خط نزول کرده سپس از راه بیرون شده به سنگ خورده و از شدت مصدمه اطاقها در شکم یکدیگر جفت و خور شد - در آن مصدمه مدحش پنج نفر تلف و ۱۸ نفر مجروح شدند الیوم که ششم است از آن مجروحها نیز فقط چهار نفر سلامت با دست و پای شکسته مانده اند همه متعاقب یکدیگر در صورت جان گذاز بر حمت نزدی پیوسته اند - ماوند ازین قسم بلاهای مدحش و زین قضاهای غیر مأون حفظ هر باید

(آصف)

خطابه شاهزاده آزاده

کمال الدوله دهلوی

عنوان چهارم

ای جلال الدوله - مقصودم از نوشتن جغرافیای ایران و وضع طبیعی آن واقعه پنه و برهان آن است که بر شما و کسانی که این عناوین را مطالعه میفرمایند ظاهر شود که تصور طبیعی و عدم استمداد ذاتی ایران دلیل خرابی و ویرانی آن نیست چه اگر بحقیقت تصدیق شود که سبب خرابی مسئله طبیعی نیست که بر نفس اشکال داشته باشد

اقدام در اصلاحش زین همه میدانیم آسان تر است تشبیر امور ذاتی مشکل است

بلکه خرابی و ویرانی ایران از نواخت طاریه عارضی است که باندک کوشش فیلسوفان نامدار و مردمان دانش بزرگوار و اشخاص صاحب اصلاح پذیر است - ابتدا تصور و تصور و ناتمامی در وضع طبیعی ایران نبوده بلکه بقدری دقتن طبیعی و خزان بیروت و معانیهای دولت دست قدرت در گستانهای این خاک بینوا نشان دخیبه و ودیعه نهاده که چندین مالک و پادشاه دیگر را نیز میتواند در سایه خویش آورده و مأمور دارد حال اهالی امروزه ایران مانند بدران خود بیست که در نشان کوههای امن منزل داشتند و سوزن از چنایق میساختند الان در ایران تمام اسباب لوازم معاش و زندگی دو معادن و مخازن طبیعی بقسمیکه محتاج با آوردن (طنز و) از خطا و شکر از هند و غیره نباشند مهیا و آماده است اما مع التأسف مشهور است که تمام لوازم حیسانه مات ایرانیه باید از خارج بیاید حتی آهن که کوههایش محلو از آن است اگر یکسال آهن از خارج بایران نیاورند اهالی اش زیستن نتوانند

عجب تر اینکه جمیع دوائر زندگانی ایران محتاج با آهن است از پادشاهی گرفته تا زرگری همها هنوز آهن آب کردن ندانند و سوزن ساختن نتوانند - بالا تر از اینها اینکه هزار زحمت و زاری و التماس و خواری بشم و بنهرا در یکمن بجهزار یا دوهزار بفرنگیها بفروشد و بتضرع و تئاق همان بشم و بنه را با سم چلواری - ماهوت - چیت - وغیره در یکمن دو تومان نا بیست تومان میخرند و ابتدا متنبه این نکته نمی شوند که چرا باید چنین باشد

من میترسم که عمما قریب جهالت و نادانی کار ایران را بجائی رساند که آب هم از فرنگستان آورده بقیمة شراب بدیشان بفروشند - اگر چه (ان الذی تحذرن قد وقعا)

آلان آب صاف را مانند (کازوز) در شیشه های

سربسته از بمبئی و روسیه بایران آورده و از شراب
هم گران تر بفروشد

گر این تیر از ترکش رسامیت

به مرده بر زنده باید گریست

فرقی که بین مات متمدن و وحشی نمایان شده
همین يك نکته است که مات متمدن آن را میگویند
که تمام لوازم و ما بمحتاج زندگی خود را در مملکت و
شهر خویش آماده و فراهم نماید و هرگاه مملکتشان
آشورها استعداد طبیعی نداشته باشد - بقوت علم و
قدرت عمل لوازم معاش و اسباب آسایش خویش را
فراهم آورده یا آنکه بهتر از لوازم را قائم مقام آن
قرار داده خود و مات خویش را از هرجهت آسوده و
فارغ میدارند

چنانچه جزیره کوچک انگلند با آنکه ابدآ استعداد
طبیعی ندارد که چند کرور نفوس را در آنجا تعیش و
زندگانی میسر آید بقوت علم و قدرت عمل انگلیسها در این
محل خورد و جزیره صغیرتری بکار برده اند که چندین
مابون نفوس بل زیاده با کمال فراغبال تعیش و کامرانی
و راحت و زندگانی میکنند سهل است - يك دنیا را
محتاج بخوبش نموده - این است حاصل علم و عمل و
معی تمدن و فایده و نتیجه علم و نمره جهد و کوشش
اما ملت وحشی (باربار) آنست که با وجود
داشتن هزار قسم خزینه ثروت و صد هزار نوع دینه
بمدت در کمال فقر و پریشانی و ضرورت و در ماندگی
زندگی میکنند - بلکه زنده بگور و محروم از همه حظوظ اند
در ایران بواسطه آنکه راه آهن و شوسه نیست کمال
احتیاج را بداشتن حیوان باربر و اسب سواری دارند -
زیرا که تمام بارهای خود را یا باید بدوش حمل نمایند یا
برخر و قاطر و گاو و یا بو و شتریار میکنند و طی
مسافت را بایست با پای خود بایند یا با الاغ و اسب
و غیر از این دو وسائط تقلیسات ندارند - از این رو
احتیاج آنان بمحیوان باربر بی حد و شمار است و با آن
همه و فورگاه وجود که در اکثر جاهگاه را آتش میزنند

و جورا مانند خاك بیخه دار شمرده باز بقدر نصف اسب
و حیوان جزیره کوچک انگلند در تمام ایران اسب
و حیوان نیست - و حال آنکه در آنجا از برای حمل
و نقل و هر قسم بار و طی هر نوع مسافت همه گونه آلات
و ادوات نقلیه دارند که بقوه بخار کار میکند و بارة
چون (ولوسید) بی بخار - گاه در لندن قیمت روغن
ایران را دارد - و جو هم ترازوی قد است - در امریکا
و فور اسب بدرجه رسیدن که همه ساله از حکومت محلیه
حکم بکم کردن و کاستن از جنس آن صادر شده گاهی
در سلاخ خانها ذبح نموده از روغن آنها ادویه چند
میسازند

(به بین تفاوت ره از کجاست تا بکجا)

تا کسی از انگلستان بایران نیاید و از علم
(اکادمی) که تشریح و توضیح ثروت ملل را مینماید
واقف نباشد - درجه ترقی فرنگستان را بواسطه تمدن
و تربیت - و پایه تنزل و پستی ایرانرا نفهمد - در واقع
مانند شب تاریک و روز روشن این دو محاسبت هیچ
مقایسه بردار نیست انالتری والتری (باقی دارد)

داستان روسیا

عطف بامسابق

بیان آشتی روس با عثمانی

چنانچه نگاشته آمد آرایش بدستگیری پروسیا از
روی بیان نامه (زاشتیاق) از جنگ عثمانی کناره گیری
و از روی همان بیان در (زشتوی) برای بستن بیان
انجمنی آراسته آمد و فرستاده هر دو سو با میانگیری
فرستادگان انگلیس و فلمنک و پروسیا در سال (۱۷۰۵)
در ماه ذیحجه بکار بیان انجام داده شد پس از آن
روسیه فرستاده خود را بدانجا فرستاده و آغاز بگفتگوی
آشتی نمودند - هر چند بایستی در همانجا که انجام
بگفتگو شد تمام شود نشد - دوباره در شهر (غلامس)
انجمن فراهم و کار بیان آشتی انجام یافت و از روی
همان صکرده که در آنجا برواشته شده بود - دو باره
در پیش انجمن گفتگو برپا شده خواهش هر دو سو در

بارة آشتی بمیان آمده و در پنجم جمادی نخستین سال (۱۲۰۶) به انجام رسید - و رود توتہ را در میان دو کشور سامان گریزند و جاهاییکه در هنگام جنگ در انسوی توتہ بدست روسیه افتاده بود بخود عثمانی واگذار و از برای (اخلاق و بندگان) همان آزادی که از پیش عثمانی به آنان بخشیده بود بجا مانده و بدهی دوساله آنجاها را عثمانی بخشید - باینکه اگر کسی خواسته باشد از آن دو کشور بجای دیگر برود بتواند و آزادی داشته باشد که آب و زمین و خانه خود را فروخته برود - و عثمانی هم محاسنی که در زیر فرمان خان قلیس است دست اندازی نماید و در آمده های تونس و طرابلس کشتی های روسیه رفت و آمد نماید - و کسی بدان کشتی ها دست اندازی نکند و اگر نمودند عثمانی زیان آنرا دادنی باشد - و در هنگام ستیز روسیان و هلنیان و بقدانیان و رومیان و کرچیان که گرفتار شده اند رها کرده شوند - در اینجنگ که از سال (۱۲۰۲) آغاز شد زیان عثمانی سیصد و سی هزار سپاه و شش کشتی (قباق آچار) و چهار (فرقتین) و چند کشتی کوچک بود - و از روسیه در جنگ عثمانی و اسوج دویست هزار سپاه و در دریای بالٹیک چهار کشتی (قباق آچار) و شش (فرقتین) بزرگ و هشتاد کشتی کوچک - و در دریای سیاه دو (فرقتین) که از شورش دریا بکلوگا اسلامبول براه آورده بدست عثمانی افتاده بود با یک (قباق آچار) که همگی زیان دریایش پنج (قباق آچار) و هشت (فرقتین) و هشتاد کشتی کوچک بود و از اسوج از دستگیر و نابود دوازده کشتی (قباق قالداری) و سه (فرقتین) و چهل کشتی کوچک و از انریش تنها از سپاهیانش یک صد و سی هزار کس نابود شده بود - عثمانی اگر سی صد و سی هزار سپاه باخته بود از روس و انریش هم بهمان شمار نابود گشته بود

در گذارش برخی میان برهم زینها و شورش
انگیزهای روس در خاک عثمانی هنگام جنگ

چون در جنگ پیش مردم (مورده) را روس بشورش آورده و همدست خود ساخته بود پس از جنگ بادشاه عثمانی آنانرا کینر نمود - روسیه همین کار را از برای فریفتن آنان دست آویز سودمندی انگاشته در آغاز همین جنگ یافته ها در میان آنان بخش و پراکنده نمود از برای آنکه مردمان آمده هاییکه در دریای سفید است شورش نمایند از گروه روم (-ویر) نامی را که پیشتر بکار گذاری روسیه میپرداخت بسوی (ارنا و دستان) فرستاد و فرمان داد در آنجا با بزرگان و ریش سفیدان (ارناودان) گفتگو نموده و شورش برپا نماید او هم در خاک (بانیه) بکوهی که (سولی داغ) مینامند رفته در آنجا بنیاد گراه نمودن زیر دستان عثمانی را گذارد - آنقدر کوشش نمود که آنانرا بشورش در آورد و فرماده (بانیه) ناچار سپاهی از برای خوابیدن آتش شورش روانه نمود - شورشیان سپاه را شکست دادند و گروهی از آن مردم که یکباره فریفته سخنان فریبنده و دروغهای بد بنیادانه اوشده بودند از میان خود بولی گرد آورده در بندرگاه (تریست) که در (پنا گاه - کورنر) و (رند بک) است دوازده کشتی کوچک آماده گروهی را که (قره قیچان) مینامند برگزیده و کشتی ها را با آنان سپرده و بدست یاری آنان در میان آورده های دریای سیاه زیان کاری برداختند که عثمانی آچار شده بیشتر کشتی های خود را از دریای سیاه بدریای سفید فرستاد و گذشته از این (اکترینه) که در آن هنگام بانجام دادن ساز و سامان کشتی های جنگی از برای فرستادن بدریای سفید میپرداخت تا آنکه تواند زبردستان عثمانی را بشورش آورد و (ابصار) نامیرا که از رومها و نوکر روسیه بود با چند کس دیگر به آده سجلیا (که نخست در دست ایتالی بود و از خاک ایتالیا بشمار میرفت و پس از آنکه یونان بارت برایتلی دست یافته نابولی را گرفت بادشاه آنجا به آده سجلیا گریخت و اینک از خاک نابولی جدا میباشد) فرستاده بکنان آنکه مردمان درستی و راست کرداری میباشد

روی که بیابست در راه آرزوی شورش در درباری
 مفید بکار برده شود به آنان سپرد. آنان با کلاه
 لذاران دربار که همدست آنان بودند پول را در میان
 خود بخش نمود و یک پول در ایتره بکار نبردند
 -ورشیان وزیردستان عثمانی که چشم در راه زر بودند
 ز انزو داکیر و از میان خود (خریستولاجونی) و
 (پولولیاکاو) نامان را در داد رسی به پترسبورگ
 رسانند پس از رسیدن آنها اسایکا از زر بخش
 بهره برده بودید رودگری دوازده نگذاشتند کترینه را
 به پیند انعام با یکی از دوستان و هم خبان کترینه
 راه پیدا کرده نامه داد خواهانه بزبان روسی
 نوشته و فراسوی هم در آورده دست بدست به
 پیشگاه کترینه رسانیدند در آن نامه نگاشته بودند که
 همسرماز و هم زاد و بومان ما به پشت گرمی فرمانهای
 شما ساز جنگ را بر خود راست و ما فرستاده اند
 که به امیرانه ریچه آگاهی دهیم. آنکه در راه شما از
 جان گذشته ایم. امروز هر چند نامه بدگاه شما و
 بدرباران فرستاده ایم بی پاسخ مانده از اینو هم زاد و
 بومان ما را بش از شما رش و اندوه و ربان رسیده
 ناچار از برای آنکه شاید رود تر پاسخ توایم دست
 رس شد با این نامه آگاهی دادن گستاخی نمودیم که
 یکی از هم زاد و بومان ناراستگار ما (انصار) نام
 با دروغ و جابلوی بدگاه امپراتور ریچه راه نامه و بر
 ما بزرگ گماشته اند مردی است فریبنده و دروغ گو
 ز درهای پشمار که بدست او سپرده شده یک پول
 در راه آرزوی شما با نداده و ما خود از دارائی خویش
 کشتی می (فره قجان) و دیگر کشتی ها را ساخته ایم
 چنانچه یکی از هم زاد و بومان که از زهد و نوم
 خود بیروست دوازده هزار لیرا از برای آماده نمودن
 دو کشتی بکار برده است و مادر و برادر او را که
 در دیار خود مانده بودند عثمانیان کشته اند از دربار
 شما خواهش پول نداریم بلکه آرزو می نمایم با گوله و باروت
 که نتوانستیم آماده کنیم با یاری بکنید و اگر دوست

سایه باری شما به آزادی نخواستین خود دست و س
 گردیدیم چون از نژاد پادشاهان ما کسی بجهت نیامده
 نیره شما را که بنام (قسطنطین) خوانده اند بیاهشاهی
 خواهیم گزید (باقی دارد)

مکتوب بی عرضانه

سالم دل طلب جام جم از ما میگرد
 آنچه خود داشت ز بیگانه تنها میگرد
 بشارت عزم جزم اولیاء دولت علیه ایران در
 باب انتظامات کشوری و لشکری با کمال مسرت شنیده شد
 گویا بعضی کارهای عمده و اهم را بدست یاری فرنگان
 قرین انتظام خواهند نمود

اداره گمرکات چون اکثر کارش در سرحد و
 اجانب از هر جانب متقابل و معاخذة ترکان جای
 و غیره در برابر بود مأمورین باحیثی لازم و اجواب
 توکی به ترکی از لوازم می نمود - در صورتی که بعد از
 چند سال انشاءالله تالی عذر آنان را بخوایم مظلوم
 است که در استقبال هم از ضررهای متعذوره مامون
 باشیم - تشکیل وزارت عالی با استقلال و اقتدار مانده
 وزارت گمرکات گویا شایسته است برای تذکره خاطر رجال
 دولت علیه عرض می نمایم

امروز تخمیناً زاده از باسد هزار نفر مسلمان
 ایرانی و ایرانی زاده در بلاد خارج میباشند و
 هزاران نفر از ایشان در مدارس تربیت شده - عقل
 با وره میکند که در میان این همه نفوس ده نفر پیدا
 نشود که قادر بر رفع احتیاجات و تکمیل نواقصات
 باشند - امکنون کروردها از مسلمین سفی و شبی
 در تحت حکومت دول اجنبه هستند و زاید از یک
 کرور ایران در دبستان های فرنگستان و بیگ دنیا و
 بمسالك متصرفی عیسویان تعالیم و تربیت یافته اند از
 جمله جناب شمس الاما سید علی نالکرامی است که بیخند
 زبان دانا و بهرکار توانا و حال در لندن اقامت دارند
 مسلم است که در میان این همه اشخاص عالم قابل کامل
 کاروانی ده نفر بیضا میشود که دولت علیه ایران را

بجهت خدمت امضا دربار فرماید. دلیل کفایت و عقل و دانششان این است که دولت مسیحیه مانند انگلیس از وجود آنان زیاده از فرنگان فائده حاصل مینمایند نهایت این است که یک نفر فرنگی را رئیس بر آنان قرار داده فقط کار را ایمان انجام میدهند.

امروز تخمیناً یکصد هزار نفر فارسبان زردشتی که از عظمت قدیم ایران یادگار عزیز هستند و در میان ایشان رجال کامل کارخان فراوان و بان جبهه دولت انگلیس بجهت عضویت دارالشورای لندن بنوبت دو نفر را از میان امات عظیمه هندوستان انتخاب و بر قرار فرمود - و خیلی از پارسیان را با رجوع هر خدمت و اعطای هر گونه نعمت خورسند و سرانند ساخته و از وجود این گروه فوائد عظیمه یافته است ماکه طایفه فارسیه مایه مزید شکوه و آبادی شده مع هذا نمیتوان گفت که اشخاص با علم و با کفایت پارسیان قادر بر اصلاح اکثر کارها نباشند اگرچه نمکت ساجان امور دواقی و خیرخواهان وطن در باب عواقب امور مأل کار احنیایان هزاران زبان حریف میزنند. ولی ما همین قدر میگوئیم که فرضاً ماورین باجیکی تمام ایران را منظم ساخته و در حال و استقبال بجز فائده چیزی از ایشان مشاهده نشده بدین است که در نوارخ دنیا با نهایت تعجب درج خولعدند که در خاک پاک دوات قدیمی شوکت و مملکت نوشیروان عادل از میان چهل کرور جمعیت ایران ده نفر پیدا شد که مملکت اسلام را نظام دهد و دین و دوات را قرین انتظام آرد آخر الامر چند نفر از خاک دوات کوچک فرنگستان آمده و انتظام دادند و این تنگ و بدنامی برای اخلاف ما مدامی خواهند ماند. هانا بجهت خدمت در اداره وزارت جنگ و تکمیل نواقصات عسکریه و خدمت در وزارت بحریه (وزارت) معامین ژاپنی و فرنگی لازم داریم و باول وسیله باید جلب نمایم ولی برای کارهای دیگر اشخاص معروضه بزرگبهرآید.

من از مفضل این نصیحت جمعی گفتم.

تو خود حدیث مفصل بخوان از این عمل.

تجارت کیلانیان

اولین توفیقات را دول متعمده عصر حاضر تجارت می شایند تجارت کیلان بقدری مفشوش شده که از حد بیان خارج است عمده ترین خصوصیات این ملک دو چیز است یکی برنج و دیگر ابریشم در سنوات سابقه نام منافع تجارت برنج بکسیا تجار ارامنه بود و هر چه با رعیت سلوک میکردند باصاف خودشان راجع بود.

امسال شعبه بانک استراضی تجارت برنج را میتوان گفت بیک اندازه رونق و ارجنگال تاجر نمایان بیرون برده ترتیب صحیحی داد - دور نیست که بعضی از راه حلو دهگیری بگویند که اول مغرب تجارت این سنگهای احنیه اند و ما خود این معنی را تسلیم داریم ولی سخن در اوصاع حالیه است نه در آتیه و در امور کلیه نه جزئیه بارت سابق تجار ارامنه قدری پول برسم مساعده با تنزیل میگفت ملک و رعیت میدادند و در عوض هر کس آنچه برنج داشت در موقع حاصل از او تحویل گرفته محل روسیه می نمود و قرار میدادند که تا شب عید هر وقت بخواهد قطع قیمت نماید - بدین تدبیر هر وقت برنج ارزان میشد قطع قیمت می نمود - و یک هفته نمیکندست. مظنه برنج ترقی فوق العاده میکرد و دست بیچاره رعیت و ملک خالی می ماند.

تا اینکه بانک استراضی بی به این منافع برده راه جاب و جاره حلوگیری این تجارت بزرگ را اینگونه نمود که هر ملک و رعیت برنج دارد پول مساعده خواهد بآنها داد و تنزیل آن را فی صدی دوازده معین کرد - و در عوض برنج او را برسم امات محل بادکوبه نموده پس از فروش موافق صورت حساب طلب خود را موضوع و حقوق مردم را برساند و در این معامله دو نفع است یکی اینکه حق العمل صدی یک و دو داده منافع دریافت میدارد - چه بروایتی که بانک میفروشد لازم است عوض آنرا منافع برساند.

و قران فقط در داخله خرج میشود پس از صرف بیوات هم فائده کلی عاید بانک میشود. مقصود از این مقال تحقیق نفع و ضرر بانک نیست بلکه میخواهم تجارت گیلان را تشریح دهم پس از آنکه برخی مردم بیاد کوبه رسید همه اوقات مالکانش را از مظنجات برخی مطلع میسازد هر وقت صاحب برخی اجاره فروش داد میفروشد بانک از خود اختیار فروش ندارد و چون اختیار فروش در دست صاحب برخی است هر وقت صرّفه خود را دید میفروشد. و موقع ترقی برخی را نیز بانک مینماید ازین رو میتوان گفت تا درجه این معامله تحت انتظام آمده است

اما رشته تجارت دوم که ابریشم باشد هنوز بانک به آرزوی خود موفق نگردیده است اروپائیان سه ساله تخمیناً دو بیست هزار باب نوغان آورده بمردم تقسیم و توزیع میگردند که هر بابی روی هم رفته دو تومان وصول مینماید و در عوض پول او بیله تر گرفته خشک نموده حمل مارسیل و میلان می نمودند. علاوه از آن هر قدر بیله میسر میشد میخریدند (بلاشبه سالی یک ملیون من بیله خشک از گیلان خارج شده و میشود تا اینکه سال گذشته اختلافی در بین پیدا شد قیمت بیله را نیز مثل برخی بطور دلخواه خودشان قطع می نمودند مثلاً مساعده بمردم میدادند و بیله را تحویل میگرفتند بعد از حمل بیله چهار کار خانه معتبر هر چه قطع قیمت کردند از روی همان عمل می کردند که فی الواقع بمیل خودشان میشد. سال گذشته در اول بهار از جانب سردار معظم در این فقره مذاقه شد یعنی بی بمیل و دسایس فرنگان برده حواست طوری نماید که هم این تجارت بزرگ ترقی نماید و هم حقوق مردم بی جهت یا اعمال نشود. افسوس که بهار حکمرانی سال چهارم سردار معظم زود گذشت و به آرزو نرسیدیم بعد از رفتن ایشان که سالار نایب الحکومه بود دوسه مجلس در این باب منعقد شده طولی نکشید و زیر دربار مرحوم آمد او هم بهر وسیله بود در قطع قیمت بصحة و بس قونسول

فرانسه در باغ مدیریه امضی داد مردم ناچار اطاعت نمودند. تا اینکه حضرت اشرف والا شاهنشاهزاده عضدالسلطان آمدند. چون اواخر سال بود اقداماتیکه مفید باشد بشد بالاخره لایحه بحضور مبارک اعلیحضرت اقدس هایونی پیش شد که باید تجارت بیله در تحت نظارت حکومت باشد

اعلیحضرت اقدس هایونی این مسئله را بحسب مشیرالدوله رجوع فرمود. جناب مشیرالدوله در حضور چند نفر تجار که عمده آنها ارمنی و درین کار دست داشتند مذاکره نمود. ولی فیصل شده همان قسم باقی است امسال فرنگها مساعده تا کنون نداده اند و خیال ندارند بدعند میگویند هر وقت بیله در آمد ما نقد خواهیم خرید تا بعد چه پیش آید و از این فقره تجار اجنبیه بسیار ناراض و کسل هستند که چرا ملت بی به خیالات فاسده آنها رده اند همه روز میخوانند فسادی مابین خارجه و داخله برپا نمایند که صرّفه بدست آنها افتد و آنکسی بعضی که در مملکت عثمانی و روس نمیتوانند زندگی نماید برشت آمده میخوانند خیالات خود را در ایران پیش برند. چنانکه در ایام عاشورا یکی از اجنبیان خری بقونسول روس برد که مسلمانان بعد از روزه در مغلوبیت روس و فتح و نصرت ژاپون دعا مینمایند و اضمحلال روس را از خدا خواهانند این فقره با تحقیق معلوم شد که در هیچ تنکی و در هیچ مجلس اتفاق نیافتاده است. تا اینکه علای ملت مثل جناب مستطاب حاجی ملا محمد خمای بقونسول کاغذ نوشتند که این مسئله بی اصل بوده و هر کس گفته است خان دولتین علیتین بوده لازم است او را تنبیه نمایند فعلاً این فتنه بزرگ خوابید و تمام تجار و کسبه و علما ثابت نمودند که همچو مطالبی در جائی واقع نشده است ولی شبهه نیست که فتنه در گیلان خواهند نمود

انزلی

وقایع نگار حبل المتین مینویسد گمرک و بست را منظم باید گفت گمرک را ابتدا نمیتوان بی انتظام دانست حتی قانون

جزا و سزا نیز تا درجه در آن اداره مراعات می شود چنانچه بتسازگی یکی از اجزای گمرک خیانت نمود و (خوباساریانس) خیانت او را برئیس کل حالی کرد - اطلاع بوزارت گمرک مور طهران دادند اوقاتی که وقتیکه بطهران تلگرافاً خبر داده شد خائن در حبس بود تا اجازه از طهران رسید او را مرخص کرده از خدمت بگمرک محروم ماند

پستخانه منتظم هست ولی نواقصات بسیار دارد پاکتی که از خارجه در هفته دوبار از طریق بحر خزر بواسطه کشتی پست یا تجارت وارد شده تحویل میدهند بسیاری از آنها کسر نمبر دارد صاحبان پاکت پول کسر نمبر را تسلیم مدیر پست نموده و روی آن پاکت کسر نمبر زده شود - چنانچه سابق بود - هنگامیکه وجه کسر نمبر از صاحبان پاکت دریافت شد معادل همان کسر نمبر چسبانیده وجه میگرفتند چندی است که این وضع تغییر یافته فقط پول کسر نمبر را از صاحبان پاکت دریافت و نمبر بیپاکت نمیزنند - شنیدم پولی که از صاحبان پاکت دریافت می شود هنگام فرصت ماندن آن نمبر در دفتر یا بارمه جداگانه میچسبانند و آن دفتر یا بیاض نمبر زده از کسر پاکت را هر وقت پر شد بوزارت پست میفرستند - هرگاه این قیاس قرین بصواب باشد ناقص است وزارت پست باید بداند که برای این کار چه تدبیر نماید که اگر شخصی در پستخانه برای کسر نمبر خیانتی کند و پول بگیرد بدفتر بیاض در عوض نیچسباند خیانت او ظاهر گردد - اگر گفته شود خائن نیست در جواب عرض میکنم که هنوز مأمور گمرک بواسطه خیانت گرفتار است و ازین خیانت از خدمت گمرک معاف شد - باید وزارت پست در هر آن تدبیری نیکو نماید که خیر ملت و دولت در او باشد

صید و منافع شیلات ماهی اجاره داران را صاحب همه چیز نمود رسوم گداز گمرک ماهی در روسیه موقوف و همان صد پنج اولیه برقرار ماند ازین رو تجار و کسبه ازین منافع فوق العاده بهره مند میشوند پارسال

تحمیل فوق العاده گمرک روسیه بر ماهی سکنه بزرگی باین تجارت وارد آورد - فعلاً راه باز و در گمرک روسیه از قرار سابق اخذ گمرک مینمایند و صید این حیوان بحری که مالالتجاره بزرگی است اجاره داران را از پریشانی بیرون آورد اجاره دار کل تومانی هفت هزار دینار چیزی کم یا زیاد منافع برده - مستأجرین جزه میتوان گفت تومانی هفت تومان بهره یافته اند

یکی از تجار خواست شیلات را در چهل هزار تومان از سالار اجاره نماید برخی او را منع کردند - آن مرد بزرگ منافع اینکار را میدانست و میخواست زیرا بار برود مقصود اهمیت این تجارت است که تجارت (سماکی) و اول تجارت بشمار است - از برکت این تجارت (لیاناز اف) از آستارا الی رود اتوک شیلات را از دولت علیه اجاره نمود و میلیون میلیون صاحب ثروت گردید لطف این است که ماهی در وقت خروج از گمرک معاف است - و صید شیلات مرداب انزلی را همین (لیاناز اف) بدیگری در هیجده هزار تومان اجاره میدهد و خودش هم (طور) و سیادهای مخصوص دارد صکه الی رود اتوک بحر خضر و مرداب انزلی صید ماهی می نمایند این منافع خیلی منفعت است و مستأجرین را زنده می نماید اشاهه رجال دولت علیه توجه به عمل این تجارت و این منافع خواهند فرمود خدا کند وجه اجاره صید ماهی داخله ایران مثل سالیان و غیره شود که اجاره داران وجه بوجه را از دولت اجاره می نمایند و در سال هر کس وجه اجاره را افزود باو میدهند آنهم بقیمت بسیار عالی

تقل از روز نامه شریفه نوروز

وقایع تاریخی بطریق اجمال

ظهور دولت بنی عباس (۱۳۳) بعد از هجرت
 وفات ابوحنیفه (۱۰۵) بعد از هجرت
 آمدن هارون الرشید با سنکدار (۱۶۶) بعد از هجرت
 ابتداء تشکیل پادشاهی و امارت (۱۸۶) بعد از هجرت
 ظهور دولت قاطمیه در مغرب (۲۹۷) بعد از هجرت

انقرض ملوک بنی امیه در اداس (۴۷۲) بعد از هجرت
 وفات شیخ الرئیس بوعلی سینا (۴۲۷) بعد از هجرت
 چون اطلاع بر حالات شیخ الرئیس تا یک اندازه
 موجب بصیرت است لهذا در دو سه مره با همین
 عنوان که داریم باره از وقایع حالات این حکیم
 فاضل را بیان داریم و ضمناً معلوم ما خواهد گردید که
 یأس و حرمان و تعذیل علوم بدترین مفاسد است و
 برخلاف صبر و امید و اصرار بر تحصیل علوم است
 شرافت و اکتساب عادت است

محملاً این حکیم اصل یعنی حسین بن عبدالله - بنی
 مکی بابی علی نقیب با شیخ الرئیس در مشاهیر - کتبت و
 سنه (۴۷۲) در افشته بخارا تولد گردید زمان ولادت
 شیخ الرئیس طالع سرمان بود و در درجه شرف
 خود بود و عمره نیز بر درجه شرف خود بود و
 سهم السعاده در بخت و به از سرطان بود سهم العیب
 در اول سرطان بود با سهیل و امرا یابی - مادرش
 مهاجره به ستاره از اهل دهات بود پدرش عبدالله مردی
 بود دانشمند و حکیم از اهل باخ و زعمان اسماعیلیه
 و در زمان امیر نوح بن سامان ملایم امیر مذکور
 شد و همراه امیر به بخارا آمد پس از تولد شیخ الرئیس
 او را در سن دوازدهگی مکتب گذارد و تا ده سالگی
 حفظ قرآن و ضبط بسیاری از علوم دینی و فنون
 ادبیه نمود و بعد از آن طواعی بطلب را بر ابی عبدالله
 ناقلی که یکی از مضلاء زمان بود خواند و باندک زمانی
 بمدارج ترقی بل و قایم آمد و در هیجده سالگی از
 تحصیل کثر علوم فراغت جست - گویند در زمانیکه
 در اصفهان محسب می نمود روزی نزد پادشاه رفت
 و معروض داشت که مسگران کاشان در وقت سحر
 مس میگویند صدی چکش ایشان طاع را مظلماست
 سلطان تعجب نمود که از آمدن تا کاشان چهار مایل
 است چگونه از چهار منزل راه مدنی چکش را
 میتوان شنید - پس سلطان گفت که حکیم بکنم - در
 بدر شبی چکش گویند از آن بگذرد بکاشان فرستاد و

حکم کرد که در این هفته از اول شب تا صبح مسگران
 بکار اشتغال داشته باشند چون ایام هفتصد و بیست و نود
 سلطان رفت و گفت که در این هفته از اول شب تا
 صبح مسگران کاشان ملرا از - مطالعه باز داشته باشند پس
 سلطان صدق قول او را دریافت از آن پس حکم کرد
 که مسگران شکار نکند و قوه باصره اش بحدی
 بود که در مسافت چهار فرسخ مسگر را میدید .

مکتوب از مکه مکرمه

اوصال بخدمت الله تعالی فضلات خداوند قادر متعال
 لم نزل و لا یزال شامل حال عموم حجاج دوی الاحترام
 رادمسافه شرفاً و تعظیماً بود - هوای مکه معظمه
 هیچ نسبت بسنوات سابق نداشت بسیار خوش گذشت
 سالها قبل در عرفات ز شدت گرما خارج شدن
 - چادر امکان نداشت امسال بعکس سووت آفتاب
 در برت هوا و نسیم خوش اثر نداشت هزاران شکر
 خدا را که با خوشی و با غیره بروز و ظهور فرمود
 بر عموم حجاج دره نا و عرفات و مشرف الحرام خوش
 گذشت - خطاب منجم الساطه حترال قوسول دولت علیه
 ایران مقیم جده که یکی از - آموزین با کفایت است از
 رور و رود حاج بجهه کمال مراقبت و مواظبت را
 در فراهم آوردن اسباب سهولت مسافرتشان
 بعمل می آورد

اوایل دسمه الحرام چند قافله از حجاج مغربی و
 جاره عارم مکه شده بین راه اصراب بدو بر آنها ریخته
 او و الشانرا زارت کردند همین که منجم السلطنه از عدم
 امنیت راه - دعای شدت قصدن کرد که احدی از حجاج
 ایرانی عزیمت نکند تا آنکه از جانب شریف مکه
 رسماً برای مال و خان حجاج ایران اطمینان امنیت حاصل
 نکرد عاقبت شریف امر نمود تا هم قافله که محتاج
 ایرانی باشد چهار فرسخ نظامی برای محافظت آنان
 از جده تا مکه که دو روز راه است بروند این نکته
 مراتبه کفایت و دولتخواهی منجم السلطنه را پیش از
 پیش ابراز داد چه بعد از آن چه در وقت بروز

اصلاحات جدید یا خیالات عالیّه

وزیر اعظم

اهالی ایران از طفل همت ساله تا پیر هفتاد ساله میدانند که در اواخر صدارت امین السلطان چه گونه رشته امور دولت و مات از هم گسخته. کشتی استقلالشان در بحر حیرت چهار موخه گردید (نضع یوم اکبر) در حال ملک و مات آشکارا شد خزانه تهی ماند. ایران از شهاب تا جنوب ربر بار قروس رفت. مواجب قشون و اهل نظام و نوکر بحمل ماند. استیلاء اجانب محک کمال رسید. تفرقه کله در بین دولت و ملت آشکارا شد. ملت اسیر فلاکت. و دوات قرین وحشت و حیرت و نوکر در فکر نان و آب و رؤسا متروک و منی و مقربان حضرت سلطنت سرکشته و رانده. و وررا محیر اندیش مصوب. جهال و اشرار دست تطاول از آستین در آورده مفسدین و مفرص جنگال خود را بخون مات آعشته کرده. بمالکت ایران حالت رور رسب خبز پیدا کرد. محارج دوات یوما بیوم در اردیاد و مداخل رور رور رو ستقصان نهاد. اندک مداحلی که از مات مالیات عاید میتد حکام نا اصف خراج تراشی کرده به جمع و حرج یا در هوا میپرداختند و حقوق مردم در عهدۀ تعویق می ماند فی الحقیقه جمع اهالی شبیه دود محمی نه آتش از هر سمت با آنها احاطه کرده و آمدشان از هر سو بریده حرارت آنآ قانآ آنها بر دیک بعضی را سوراخیده و خاکستر کرده ریحی را فرو گرفته. و لباس باره سرایت نموده و همه چنان میدانستند که انواب خلاص (ولات حین مناس) مسدود واقعا حالت نضع آنان بویسند را بوخت می انداخت و حواننده را متزلزل میساخت در قصانای این احوال بر دعای مستمندان هدف اجاب رسید و امور جمهور بکف کفایه نواب کامکار خردمند او چند شاهزاده عین الدوله واگذار شد تمام طبقات از اصلاح امور مایوس و نا امید بودند بلکه بعضی مردمان با سیاست که از بطون امر معظم بودند

و غیره چند روز در جده مانده تا همراه ایرانیها سفر کنند. این مسئله اسباب افتخار و سربلندی حجاج ایران شده وقت حرکت قافله حجاج ایرانی باواز بلند اعلیحضرت قدر قدرت اقدس هاپون شاهنشاه ایران خلدالله ملکه و سلطانه را دعا میکردند. از فضل خدا و از بین توجهات ککامله جناب اشرف برس ارفع النوله سفیر کبیر دولت عالیّه ایران مقیم اسلامبول که او امر مؤکده در آسایش حجاج ایرانی بمهدیه مأمورین حجاز فرستاده. عموم حجاج ایرانی که از بنادر بحر احمر عارم بیت الحرام بودند بسلامتی و خوشوقتی وارد گردیدند و بخدمت مونی از سر ایشان کم شد جناب مفعم السلطه بعد از آنکه عموم حجاج را از جده روانه مکه مکرمه نمود. خود شان هم اوائل ذی الحجه بطرف مکه عزیمت و روز هشتم که قافله بطرف عرفات حرکت میکرد جناب مفعم السلطه با کاشتگان جنرال قوسولگری و هشتاد نفر عسکر عثمانی که برای محافظت حجاج ایرانی در همه جا همراه بودند. در مناسبت عید در چادر جنرال قوسولگری آتشیاری و چراغانی و مهمانی خیلی با شکوه مفصلی که از هر جهت قابل تحسین و تمجید است نمودند و یکدسته موریک اطامی از هروب تا پنج ساعت از شب گذشته جلو چادر جنرال قوسولگری حاضر بود. امین السلطان صدر اعظم سابق ایران. عبدالدوله. مدیرالدوله. ناظم خلوت. امین حاقان. محبر السلطه. میرزا وسیع خان گیلانی. موز السلطان. طلم السلطنه و سایر اعیان و معتبرین نجار ایران شب عید در چادر جنرال قوسولگری شرف حضور داشتند. اشخاصی که در ما بوده مراتب زحمات و خدمات مفعم السلطه را برای العین مشاهده نموده اند خداوند مأمورینی را که باعث سربلندی و افتخار ایرانیان در خاک خارجه میباشد فرماید

(واقم خیرخواه محمد علی)

چنانچه میگویند که سابقین از رجال پس از آنکه شیرین
دوات ابرازا گسیخته و دیدن وقوع نتیجه رسیده و تمام
مقدمات بعمل آمده بنا بر مصالحت خود را بیرون انداختند.
فی الحقیقه (دینامیق) در زیر پایه های خانه دفن کرده
چون دید وقت اشتعال رسیده و متلاشی شده این خانه
را بر باد بسق خواهد داد و اهالی ساکنین این کاشانه را
خواهد سوخت بجهت حفظ جان خود بتحصیل هر چه
توانند خود را بیرون افکند - معلوم است با این حال
یأس و نا امیدى هیچ کس مایل و راغب نیست با امری
اقدام نماید - فتور و سستی بحال اجزاء دوات و مات
چنان راه یافته بود که حرکتی از آنها جز حرکت
مذبوح دیده نمیشد - ولی مردمان کامل دانای برمنز
عالی خیال البته باینگونه سخنان از پای نشسته و از
اقدام و اهتمام دست بردار نشده تا مرکب آرزو سوار
شدند - از این رو (شاهزاده وزیر اعظم) محض خوشنودی
خاطر خطیر مایونی و بی گذاردن نام بیک و بزرگ
از خود در تواریخ عالم و رسالت - حضرت ناری تعالی
کفالت امور و تنظیم و تسبیق مهم دوات را بر عهده
کردار و کفایت خویش گرفته دامن مردی و
مردانگی بر کمر همت و غیرت استوار نموده بزمی
راسخ و نیک حاص از شایسته اخصاص و اهمی و فی و
درائی کافی اصلاح امور را که ناری از آن بزرگتر
بسطر نمی آمد با کمال تأنی و حزم و بختگی و متانت
استقبال نمودند - در حالیکه عقول اهالی بر محالیت آن
موافق و مطابق بود

آری مردمان بزرگ اقدام در امور بزرگ مینمایند
عقل و تدبیر بزرگان در دفع فساد و اختلال بمثابة
آتش سوراخ است که هر چند ظاهراً بزرگ بنظر نیاید
ولی کوه های حطب و میزم را در طرفه العینی نیست و
نابود مینماید - و هیچگاه خیال بسیاری همدم آتش را
هول نیندازد - و همچنین مردمان بزرگ از اقدام بامور
مظلمه و مهم مهمه اندیشناک میشوند و تصور ب نتیجه
ماندن خیالات را بخاطر راه ندهند - و در موقع شدت

و سستی اضطراب و دهشت نمایند و سر رشته عقل و
تدبیر را از دست ندهند تا آنکه بمراد خویش مایل و
قادر شوند از این است که (بونا پارت) ناپلیون سریمما
گفت (هیچ امر در دنیا محال نتواند بود و محالیت
فرضی است غیر واقع و باید لفظ محال را از کتب
انت محو نمود)

از آنرا بیک هم بلند عمر کار سخت و صعب را
آسان نموده و این کوه های بزرگ که چشمهای ما را
پر میکنند در نظر مردمان با همت بر کاهی محسوب
نشود - و دریا های محیط در مقابل خیالات عالیشان
بقدر شبلی نیاززد - بجهت تسهیل طرق و شوارع و
تسطیح آن - کوه ها را از جای بردارند و بملاحظه
تزدیک کردن طرق سفائن دریاها را بیک دیگر وصل
نمایند - راه آهن (سیریا) و حفر (کانال سوئز) و
راه آهن (انازونی) و راه آهن (حجاز) و غیره شمه
از این خیالات بلند را با نشان میدهند و بگوشه چشم
اشاره کرده میگویند بکوشید و جد و جهد نمائید با
همت بلند و نیتی ارجمند که کوشندگان همیشه بسعادت
و خوش بختی نائل و مایل میشوند - و یأس و نومیدی
بخود راه میدهند که موجب سستی اعصاب و فتور
میشود - اگر چه بسیاری از بزرگان تصور این مراتب را
نموده اقدام بکارهای بزرگ را سهل و آسان شمرده اند
ولی چون در صداد احرا و اعمال افکار خود برآمده
بواسطه اضطراب و تزلزل و اشتباه از قوه آن بر نیامده
باعث بدنامی خود و نا امیدى دیگران گشته اند - پس مرد
خردمند باید در این امور کفایت و درایت را از دست
ندهد و بخیالات خام فرور نشود - و بداند اندیشه نا
کردار را مسافت بسیار است - هر خیال بزودی انجام
داده نشود - و هر تصور بسرعت به عالم وجود ظاهری
نگردد ای بسا مشکلات و موانع که در آشنای شروع
بعمل پیدا شده - در راه میشود - در حقیقت سبب عمده
این است که همواره خیالات خود را در پرده احتفا داشته -
در استتار و کتمان آن بپا صد عالی که بیرون از خیالات

حایت باشد کوتاهی نمایاند بحق یا محرم ترین کسان خود اسرار و خیالات مکتوبه را ظاهر و ابراز دهند که بالاخره ایزد دوست بدشمن سرایت کرده تولید مواعع و عوایق نماید خلاصه این نکته مهم را امروزه زبر اعظم بر وجه اکل و اتم منظور نموده یا اینکه حکام هر بلد بطهران احضار و اسباب و لوازم امر از هر جهت تدارک شب و روز و روز و شب در مذاکره و گفتگو مشغول میباشند - هنوز کسی بتحقیق و درستی نمیتواند حدس زند که فرض از این مسائل چیست و نخستین بکدام شعبه اصلاحات دست زده خواهد شد سیاسیون بزرگ اروپا را نیز همین شیوه است اگر امری را مدنظر آرند پیش از آنکه در موقع اجرا گذارند احدی را اطلاع بر حقیقت آن حاصل نمیشود چنانکه در مسئله (دراپوس) تا حاسه آخرین احدی نمیدانست دتاده اوجه حکم خواهد شد - و کذاک تمام عریای (بزماریک) در برده بود تا موقع اجرای آن و ملاحظه این نکته در مملکت ایران زیاده از سایر ممالک الزم و اهم است چه بهر شعبه اصلاحات که اراده دست زدن داشته باشند جهی مردمان خود غرض مخالف و مایع اند

مثلاً در اصلاح مایه اگر از جهت دخل اصلاح شود حکام و ولات و کدخدایان و صاحبان تیول که سد باب مداخل نا مشروعشان میشود لابد مایع از اصلاح امر شده رنجیده خاطر میشوند و درصدد فتنه و فساد و تحریک ملت که ابداً واقف از قمع و ضرر و شر و ضرر خود نیستند برآمده سبب آشوب بلاد شده یا قعی الدایه در اشتعال ناثرة فساد بر می آیند و هر روز خلیق را تحریک نموده خیالات عالییه خیر خواهانه را متزلزل میسازند - چادر نشینان و عشایر را بفارت و چپاول تحریض و ترغیب نموده تا موجب خسارات ملت و دولت شود

اگر از جهت خرج اصلاح شود ارباب و ظایف و تیوله و سواحب بجز قبایله اعیان و اطفال و اشراف و

سادات و علماء و مفت خوران و درویشان و رحلان و روضه مخوانان و خواجه سرایان و فالگیران و کلاشان و خلاشان و سطر بان و قوادان و غیرهم که در طول زمان بختانیت یا بخیله و دسایس بصیغ مختلفه امام و تکلف و مرسوم و خانداری و قیمت خلعت و صرف جلب و تخفیف ذخیره و علیق و مواجب و غیرها قسمت بزرگی از مایسات را مخصوص خود نموده اند خوش نیامده موجب اختلال و اختلال شده در مجالس و محافل و کوچه و سرزن دکان و بازار مساجد و مدارس و منابر تحریک نایره آشوب و فتنه و انقلاب میبایند - کتباً و لساناً و شفاهاً خلق را دعوت بر ضد خیالات عالییه مصلحانه وزیر خیر اندیش بر می انگیزند هرگاه در تطبیق خرج و دخل اصلاحی مدنظر باشد هر آینه حزب صداقت پیشگاه و اردوی بیطمعان بزرگ یعنی هیئت مستوفیان کل و جزء و سررشته داران دفتر و لشکر نوبسان و غیره مایع شده از طرفی مقربان سده سلطنت و وزراء بدانندیش و اعیان خود پرست را محرك و همدست خود نموده خاطر حطیر هلبونی را منصور میسازند - و از طرف دیگر ارباب مواجب و وظایف را از جمیع طبقات مضطرب نموده دعوت با آشوب و شورش عمومی میبایند - فرصاً - بخیال اصلاح حال نظام و فسون و لشکر بر آیند سرگردگان و لشکر نوبسان و صاحب منصفان و مباشرین امور مخزن مایوسات و دحیره و قورخانه و توخانه و غیره که حقوق قشون دولت اسلام را بانواع مختلفه و اسامی متعدده و انواع تدلیس و تلبیس حیف و میل کرده سرماز بجزاره را قرین ذلت و فلاکت و بنوائی میسازند دشمن و مدعی شده موجب تحریک قشون و تا بین در اغتشاش میشوند

اگر خواهند دخل را بیفزایند از بزم مشکلات خارجی و داخلی در جلو دارد چنانچه وقتیکه از بابت زیاد کردن منافع کمرک و گرفتن صد بیج از واردات و صادرات که اکنون مهلف است شروع شده و اختلاف

معاهده تجاری جدید بود که ۱۴ رمضان ۱۳۲۰ مطابق ۱۳ دسامبر ۱۹۰۲ بموقع اجرا گذاشته آمد و موجب اعتراض و تقاضای دولت روس گردیده مشکلات زیاد احداث شد مثلاً از بابت طلبیات جدید بر خانه‌ها و کالسکها و دکابین و کاروانسراها و راهها و صنایع و غیره اگر شود موجب دهشت عمومی و آشوب کلی میگردد

هرگاه از بابت تلگراف و پست و تذکره اضافه شود آن نیز موجب عداوت جمعی خواهد گردید - اگرچه در این مسئله مدعی کمتر داریم لکن معلوم است که فقط این اصلاح کافی نتواند بود چه منافع پست و تلگراف و تذکره کافی از نواقص ما نیست

اگر از بابت اصلاح بودجه مالیات باشد بایضا که بخواهند از نو مهندسی فرستاده نقشه اراضی و آبادیها را بر داشته موافق دول متمدن حقوق دیوانی را علی السویه ده یک دریافت نمایند چون عمده صاحبان املاک از امرای و وزراء و اعیان و علماء سکه دارای قری و مزارع بسیارند و بطول مدت مالیات خود را معاف نموده یا سرشکی رعایت کرده اند رنجیده خاطر شده موافق فراهم کنند

اگر از فواید عامه از قبیل ساختن سدهای بسیار و راه آهن و استخراج معادن باشد بواسطه آنکه اسباب اینکار امروز بجهت خودمان موجود نیست ناچار باید تا یکی از دول متمدنه شراکت نموده آنها را دخیل نمایند و بواسطه رقابت آنها اگر این امر پیش از آنکه بموقع اجرا آید انتشار یابد گرفتار کشمکش دول و پلتیک آنان شده طبعاً از کار منصرف خواهند ساخت اگر از بابت وضع قوانین دول متمدنه و عدالت خانه و تساوی حقوق شروع شود رؤساء و بزرگان که وضع قانون که حکم عمومی پادشاه و منافی با خیالات فاسده آنان است تحریک مواد غایبه نموده باسم مخالفت شرع علماء و ملت را بر ضد آن دعوت خواهند نمود ولی در صورتیکه تمام مراتب مسطوره در پرده

حفاظت و عملیات و مقدمات آن پنهانی تدارک شود پیش از آنکه مفسدین خبردار شوند و در صدد چاره برآیند ترتیب و تنسیق امور کا هو حقه داده شود - و تا وقتیکه مفرضین درخواهند اسباب و لوازم فراهم آید معلوم است که کسی را راه باخلال و اختلال نخواهد بود و مجال نخواهد یافت که بر ضد آن اقدامی نماید و اگر نیز اقدامی برخلاف بشود چون جمیع طرق قبل از وقت مسدود شده مجال جولان نخواهند یافت -

مسئله دیگر که نیز باید متذکر آن بود و پیش از اختلال ترتیب داد - همانا رفع اغتشاش داخله است بایضا که اولاً جمیع بلاد را نظم داده فتنه که در هر یک از نقاط بوده باشد رفع نموده تا با سودگی خاطر جمعی شروع با اصلاحات شود - فرضاً اسکر در فارس یا خراسان و آذربایجان قحط و غلایا طغیان و آشوبی باشد نمیتوان از جانب آن اهال نموده شروع با اصلاح کرد که در این صورت نه اغتشاش رفع خواهد شد و نه اصلاح بعمل خواهد آمد - و از قدیم گفته اند دو هندوانه را بیک دست نمیتوان برداشت و آشوب ملک بمنزله مرض سکنه در جسم است که مقدم بر همه امور رفع آن لازم میباشد چه اگر اندک اهال شود مریض این عالم را بدرود گوید

در تاریخ شاه عباس قلی مسطور است زمانیکه براریکه سلطنت جلوس نمود قسمت بزرگی از ایالات آذر بایجان و ارمنستان و عربستان در قبضه تصرف همسایگان بود - قسمت بزرگی از خراسان بتصرف عبدالله خان پادشاه ازبک و پسرش بود - امناء دولت و ارکان سلطنت هر روز دفع آنها و قبضه ممالک مهیبه را برض میرسانیدند و توجه خاطر آن پادشاه و الاجاه را بدان سو میخواستند ولی شاه عباس سکه مریدی مقل و کاردان بود میدید که داخله مملکت از هر جهت مفتوح و آشفته و حکام و ولات بواسطه طول مدت خود را صاحب حقوق دانسته و موجبات اختلال فراهم

و بر یک، بیگ، و غیره، و در خارج درستی نیز
 غیر از این، میگردانند. اینک احمدخان آبلان کپلان و طالبی
 را متصرف شده ادعای ملکیت مینمود. در میانندوان
 سه پهلوان همراستای خود را، مستقیماً بدیانتند و نیز
 امرایشک، حاضر رکابند تمام خود رویار آمده، و
 باستقامت معتدل بودند و با وجود این بحالت مقابله با
 خصم بزرگ منتج فتح و طغر نخواهد بود. لذا این رو
 سالتی، دولت از حقوق، خود بدو آدر پایمان
 و خرابتانی و درمستان سرحد بطریق خود، مشغول
 اصلاحات فاضله میکنند. مدعیان استقلال را تدویناً
 مقهور و درمکنون جماعتی محکمت، را از آرایش تکدی و
 آشوبد سبب، در نزد بی این مراتب امراء و
 و در او پیوسته با از مواد برداشت بجای آنها مهربان
 مطیع خیر اندیشی مینموده، چون با امور داخلی
 فرائض، چنانکه در حقوق خود را از اربکان و ساز
 مسالمتان بحال سهولت و آسانی، بر داد نموده، و فی الحقیقت
 وزیر اعظم این نکته بارک را نیز مد نظر داشته از
 اقدامات لازمه، در صورتی، مینموده است
 (باقی دارد)

تکویات

(۲۰ ص - ۲ ص)

§ هوش خریک از پتروباک رسیده لشکریان ژاپون
 (فینک هانچنگ) را متصرف شده قشون روس از آنجا
 حرکت کرده اند

§ لشکریان ژاپون راه آهن بدر (آدم) را قطع کرده
 باها و شراب موده اند

§ غنود (روتر) از غناییکوان خبر میدهد که دو حاعت
 لشکریان ژاپون غنود و جاب (نیوجوانک) بمحاک آمده
 که بارندوی (سوزن کرکی) ژاپون که از رودخانه (پو)
 عبور موده ملحق شوند

§ ایوانکو (لنگن اف) از حاضرت بندو (آرتیر)
 رسته هوارد (مکن) میگوید که امروزه
 مرکز حکمدهی روس است و او را میگردید

§ (۲۷ ص - ۲۸ ص)
 § جنرال کرکی، ژاپون خبر میدهد که لشکریان
 ژاپون از خشتی جنک بالی رودخانه (پو) چون
 نیامده اند، لشکریان را در راه میگردیدند

§ دولت روس رسماً اعلان داده که قشون مسکو و
 (حارکوف) ملحق بشکریان اقصای شرق گردیده
 تا مذهب قوت آبلان گردد

§ عجر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که حرکت
 قشون بحری ژاپون در اسداد بوغاز بدر آرتیر خالی
 مهوراه و دلیراه بوده است و تا امروز در جنگهای
 بحری تاریخ عدیل آن را نشان میدهد

§ در جن اقدامات لشکریان ژاپون - طوفان سفق
 شده کشتیا را متفرق ساخت - سرداران بحری
 ژاپون حکم دادند که کار را ماتوی دارند ولی لشکریان
 و حملات بحری اعتباراً به شان آنها نکرده در حلو
 باران بگوله پاشیده، پنج کشتی بمسی المرام شده
 خود را به بندر و دو کشتی وارد در بندر گردیده در بندر
 بوغاز دیوانه وار کشتیهای خود را آتش زده بسیاری
 مجروح و غریق و مفقود الاثر گردیدند

§ جنرال (کرکی) ژاپون خبر داده که لشکریان
 روس چون خود را محصور در فرار و تسلیم (فینک
 هانچنگ) دیدند، فوراً خود را آتش زده که بقصه
 دشمن بیفتند

§ در ختی که تصور ژاپونستان از رودخانه (پو)
 مارچ لول می واقع شد تلفات روس از روی و توق
 بالغ و سه هزار مر بوده است

§ عجر (روتر) از (شنگهای) خبر میدهد که
 لشکریان روس صرب جزیره بنای (لاونگ) را تحلیه
 موده بحام (هیچنگ) رهسپار گردیده اند

§ از یوم عشمه الی شده ده هزار قشون ژاپون دو
 (کنجو) و ده هزار در (موجو) و هفت هزار
 در (پتیبور) وارد و (اوگنر) و (بیولیتو) را
 متصرف شدند از (انج) آوار شایک نگوش برسد
 هنوز حقیقت امر غیر معلوم است

§ هنگامه عظیمی در (نیوجوانک) بواسط
 (۲۲ ص - ۲۹ ص)

§ عجر (روتر) از (نیوجوانک) خبر میدهد که
 سرداران روس در تحلیه (نیوجوانک) مصمم گردیده اند
 و نام روس لشکریان خارج شده او می شود

§ جنرال کرکی، خبر میدهد که لشکریان
 (پو) در راه میگردیدند

را متعرض نیست همین قدر میگوید که از دو جانب (ینو)
 لشکریان ژاپون حمله نمودند
 § دولت روس رسماً اعلان نموده است که در جنگی که
 ژاپونیان در عبور از رودخانه (یلو) نمودند هفتاد
 افسران و دو هزار و سیصد و بیست و چهار
 لشکریانش مقتول و مجروح گردید
 § اخبار (دیلی تلگرام) می گوید که تدارک جنگ
 و اعظام قشون را روس بنوع شایسته نه نموده قوحت
 ژاپون در حربه این سه ماه بالاتر و بهتر از قوحت
 آلمان در سال (۱۸۷۰) بوده است
 § از اعلان رسمی ژاپون ظاهر می شود در جنگی که
 در عبور از رودخانه (یلو) با روسیان شده می
 افسر و هفتصد و هفتاد عسکرش مقتول و مجروح
 گردیده اند
 § انوار است که بین افسران روس در منچوریا
 مرض اسهال و آبله و (تیفوس) شیوع یافته است
 § موجب اعلا بیکه و پفر برکه رسیده امیرالبحر
 (الکسی اف) صدر و مرکز بحری خود را در بندر
 (هاربن) قرار داده است
 § قوحت پی پی و حرکات دایرة لشکریان ژاپون
 ا درجه روسیان را محوف و مرعوب ساخته چنان
 ظاهر می دارد که غنای جنگی عظیم بش حواهد آمد
 § از شنکهای خبر رسیده که لشکریان روس حاوی
 منچوریا را شروع به تخلیه نموده قشون قللی برای حوط
 سوال خود میگذارد مع ذلك اهالی ژاپورا که در آن
 محاسبات میکنند دارند ادیت میکنند
 § (جنرال کرویاتکن) حکم داده بود که اهالی چین
 (مکدن) را تخلیه نمایند اخبار (دیلی تلگراف) از
 شنکهاز) - بر میدهد که جنرال (تاکاریان) ازین حکم
 برد کرده اظهار داشته است که تا آخرین دم چینهها
 ستاده و مکدن را تخلیه نخواهند نمود
 (۲۳ ص - ۱۰ می)
 § دولتین امریکا و انگلیس را اراده بر این است
 برای حرکت و حسانت اهالی از شر راه بنان
 نشینای چند در نیوجواک فرستاده شود لشرا در
 معی مقامات واه آیین را بر قطع نموده اند
 § برای سد برونز (نیوجواک) دستگیر شده اند

لشکریان و لشکریان میدهند شداید و آنچه نماند
 در دو طلب و از آنجهای می گویند خبر بنان
 اطلاعات بر روند
 § دولت روس امر نموده که از مالک مغربی قشون
 ذخیره را طلب نمایند
 § تلگرافاً از (مکدن) خبر رسیده که راه بندر آرتور
 در کال سرحد تعمیر شد
 § امیرالبحر (الکسی اف) امیرالطور کل مالک روسیه
 را خبر داده است که شب دو شب راه بندر آرتور
 تعمیر یافت
 § خبر (روتز) از شنکهای خبر میدهد که جماعتی از
 قشون اردوی لول ژاپون بالشکریان روس مطالبه نمود
 جنگی بسیار سخت پیش آمده و ژاپونیان برای امتیازی
 برخم نوبهای خود را بر بالای کوه کشیدند
 § حصه از لشکریان ژاپون بجانب (نیوجواک) حرکت
 کرده قشون قابل که از روسیان در آنجا باقی مانده
 خارج گردیدند
 § خبر (روتز) از (نیوجواک) خبر میدهد که می
 هزار قشون ژاپون در (کیجا) خاک آمده اند
 § (ساماتسو) را یکی از مخبران روتز ملاحظه شده
 ضمن صحبت بیان کرد که اتمام ژاپون پیشتر در آن
 است که تا جایی ممکن شود روس را عقب بماند . و
 مرکز دولت روس را در منچوریا حقوق تجارت و
 سیاسی و تملکی ندهد - تشکیل اداره محلی تحت
 نگرانی دولت چین در منچوریا خواهد نمود - دولت
 ژاپون هیچگاه در آزادی چین خلل نخواهد انداخت
 و ادعای مالکیت چنانچه روس نموده در منچوریا
 نخواهد کرد - در آخر کلام بیان کرد که این
 جنگ بکجا منجر شود و چه نتیجه بخشد معلوم نیست
 و نمیتوان قبل از وقت رأی ظاهر کرد ولی حکمت
 عملی ژاپون اقتضا میکند استقلال و آزادی دولت چین
 و برقرار داشتن حقوق تجارتی هیچ دول او در آن سر
 زمین - این امر مملکت او بوده و جهت و حمله نیز
 خواهد بود و این تصور غلط نیست که تا دولت ژاپون
 بدین مقاصد تأمل نشود بجای خود نخواهد نشست
 (۲۳ ص - ۱۰ می)
 § دولت روسی در زمینهای منچوریا

(۲۵ جنر - ۱۲ می)

§ خبر (روز) از (شنگها) خبر میدهد که روسیان تا کنون در اطراف منچوریا گردش کرده عودت بمرکز خود نمی نمایند

§ افواه است که ژاپنیان خود را در قرب بندر آرتر رسانیده اند

§ (جنرال کروباکن) خبر میدهد که از (لیاوشنگ) قطار راه آهلیک جل قورخانه ژاپون داشت و محاب بدر آرتر حرکت میکرد حراب عمده است

§ بموجب خبریکه از جنرلهای روس رسیده لشکریان ژاپون که از (پولیتو) محاب بدر (آرتر) رهسپار مکر دیده بودند مقام و جای مفرجی را اختیار کرده از طریق (نسک وارک جنگ) حرکت نمودند و جماعت مختصری که در (پستو) بودند اطراف چپ حرکت کردند

§ روزنامه (طمس) لندن در مقاله خود می نویسد که ما را شایسته است در (لاسه) رفته مشاهده با حکومت نات نمایم و امیدوار است که هر قدر زودتر میسر شود رجال دولت انگلیس در انجام این کار خود داری نماید

§ روزنامه طمس لندن از (بانگتسی) خبر میدهد که (ما) کشر چین با منهای هوشیای بتیانرا از حله بر کپسیون برداشت افسوس که طاقب نتیجه شده فقط مستر (پر) نایب کشر و (ما) که خود کشر بود از قتل رسته جمیع همراهانشان را مانند گوسفند سر بریدند

§ مستر برادرک در دارالشورای ملی اظهار داشت که با این حال موجوده و واقعات پیش آمده لازم است که کپسیون تا (لاسه) رود و هرگاه تنبلیان مدن همی رضا ندهند تصمیة امور را در (بانگتسی) به نماید

§ (مستر برادرک) در جواب سوالی در دارالشورای ملی اظهار داشت که هرگاه بایندگان (السان) و (ناب) در تاریخ و بوقت معینه که از جانب حکومت حد معین شده نیایند محورا کپسیون طریق مخیره را تا (لاسه) باز خواهد داشت

§ دولت انگلیس به حکومت حد اطلاع داده که مطابق دستور العملی که شهم فوج بر داده شده عمل نمایند

§ امیرالبحرین (الکس لیس) خبر میدهد که لشکریان روس

اطلاق داده است
§ اظهار چارینگ پست می نویسد که ژاپونیان عقرب برای تسخیر بندر آرتر حله سخت و یورش شدید خواهند نمود

§ روزنامه (دیلی کرانکل) از وقایع نگار خود از (شنگها) یکوان می نویسد که دسته از قشون ژاپون از سه راه حرکت کرده که با اردوی جنرال (کروکی) شامل شوند

جنگریان روس در (واشینگنگه) بر خورده آنها را شکست داده اند

§ در پترسبرگ افواه است که تعمیر راه آهن بندر آرتر بدین تدبیر گردید که جنرال (استاسد) ژاپونیان را بخود مشغول ساخت

§ روزنامه (دیلی تلگرام) از (نیوجوانگ) خبر میدهد که اغتشاش کلبه رفع شده امنیت برقرار است

§ روسها بسته های برنج زیادی مال حکومت چین در نواح (لیاو) قبضه نموده این بسته های برنج را از طریق (نیت سن) فرستاده بودند (جنرال بانسینگن) با منهای هوشیادری هم فوجی حرکت کرده که رفع این حاکم را به نماید

§ قرضه ژاپون در امریکا سود سه و نیم برداشته شد

§ امیرالبحرین (توکیر) خبر میدهد که صفای شایک توپخانه بندر آرتر بمکوش میرسد ولی واقعات چه نتیجه و نتیجه چه شده معلوم نیست در (جیفو) شهرت یابد که لشکریان روس برای ایسکه اسیر ژاپونیان شوند

جنل خویش مبادرت می نمایند
§ خبر (روز) از (سبول) خبر میدهد که دوست قمر روسیان در (انجو) بر یکی از قراولخانه های ژاپون حله برده ژاپونیان در منهای نهور حلو آنها اینساده اند

§ در دارالشورای ملی انگلستان (ارل پرسی) اظهار نموده که قوسل انگلیس در (نیوجوانگ) کشتی های جنگی براجد حفظ حقوق انگلیس نه طلبیده دولت انگلیس خوایش از پالیس مصلح عمده که حقوق انگلیس را حفظ نماید

§ خبریکه از (توکیر) رسیده تصدیق میکند که سواران بر (آهلی) حله آورده ژاپونیان برای مدد خودی مکرر در زمین را عقب راندند

§ امیرالبحرین (الکس لیس) خبر میدهد که لشکریان روس

نام بدرگاه (بیرون دلتج) و سوغی را که برای ساختن
و تعمیر جوازات، مصرف (بازنهای) منابع بسیار بوده
و بزرگ بود، برآورده نموندند. سید و تلگرافی دیگر بیان شده
که برای آنکه قشون ژاپون نتواند ملحق و متحد با یکدیگر
شوند این عمل را بعهده رقیل، اچ و قب. مایویا قرار داده
بر دولت وارد آوردند

§ امپراتور (الکس اف) خبر میدهد پس با پادشاهی
که درباره تعمیر راه آهن شده در (توکيو) سبب
رسمی حاصل نموده است
(۲۶ - ص ۱۲ می)

§ جنرال (حارکیویچ) خبر میدهد که ده هزار قشون
ژاپونی حاکم دارای بچاه عمده بوت هستند نظری
(سین) روی آورده و نزدیک شده اند

§ یکی از اسرای روس سان کرده که تحت فرمان
(جنرال مانداریوف) هفتصد سواران روس در (انجو)
موجودند که از (ایابانک) با آذوقه دوازده روز حرکت
کرده و روری ۲۵ میل طی مسافت می نمایند

§ مخبر (روتر) از (شاستیکوان) خبر میدهد که فقط
سصد و بچاه نفر روسیان در (یوجوانک) متوقفند
§ يك كشتی موشک ژاپون خیلیکه مشغول انداختن
سرنگ در رودخانه (کر) بود حراش شده هفت نفر
صریق و همان قدر عروج شده اند

§ يك كشتی جنگی ژاپون در رودخانه (کر) در
حالیکه به قاه (تالخوان) شایک می نمود سرنگ دریا
مصادم شده غرق گردیده است

§ مخبر (روتر) از (یوجوانک) خبر میدهد که قطاعات
طریق در اطراف شهر گردشی می نماید و هر که را
دست باشد هارت میکند بسیاری از متعولین شهر را
هم تاراج کرده اند

(۲۶ - ص ۱۴ می)

§ انگلیس با گرنا به بنر بزرگ خبر داده اند که
تنگرمان ژاپون عدد ایستگاه راه آهن (پیولیانتن)
را قبضه نموده ایوب عبارات را سد و ریندر آتین را
محور نموده اند

§ مخبر (روتر) از (سیول) خبر میدهد که ژاپون
بسیار از کشتیهای جنگی خود را از بنر (ایابانک)

گذارده که نگران کشتیهای جنگی روس و کشتیهای
و دسک باقیاند. ازین کشتیهای روس را در بندر
(ولادی و دسک) راه حرکت مسدود شده است
§ بموج خطبکه از (نیوجوانک) رسیده و پیش از
قشون ژاپون در پست میل جانب جنوب سبیل
گردیده اند

§ رسماً دولت روس برای فرضا بین روس و ژاپون
لیرا اعلان داده است

§ اخبار استدرود خبر میدهد که من باب قتل انگلیسی
که در (وارسا) شده آفتقاشن زیاد نمودار و احتمال
است که جنگی سخت پیش آید

اول دولتیکه منظور نمود مشاهده دولتی فرانس و
انگلیس را درباره مصر دولت روس بود اعضای شورای
فرانس بدریغه وزارت خارجه دولت مشارالیه از دولت
روسی اراژ تشکر نموده اظهار داشته که مملکت دولت
روس انجمن صمیمی را با دولت فرانس تأیید مینماید

ککته

هوای ککته شدت گرم شده و بحدی که این ایام
از امراض مملکتی جز نام باقی نمانده. مرضی طاعون کلیه
رفع اکثرها می نمایند که عموماً چند نفر پیش مبتلا
نمی شوند. عدد اموات نیز بسیار کم شده. با اینصورت
حرارت ککته بسیار مودی است ولی شدت هوای
ککته در همین ایام گرم است

هوسم هراچ جلی رسید ولی هنوز ابتدای
نمی توان گفت بازار گرم خواهد رفت یا نه

دهه دوم صفر در خانه مرحوم بنفیر حاجی
سید صادق مجالس روضه خوانی شد و در آن روز سفر
حساب دستناب. آقا شیخ محمود همدانی صاحب محاربت
خود شان روضه خوانی. با شکوهی نمودند

از یوم چهارشنبه دوم ربیع الاول تا هفت روز
در دولت سرای توابع عالی عالی تا آنکه بیستم مرتد
آباد عالی هم منقذ خواهد گردید

«جبل التین کلکنه»

(مدیرکل کالج استریت نبرغ)

«کلیه امور اداره با»

مدیرکل مؤبدالاسلام است

«منتظم اداره»

آقا محمد جواد شیرازی است

«هر دو شنبه طبع»

و سه شنبه توزیع میشود

«بتاریخ دوشنبه»

۱۴ ربیع الاول هجری

«مصادف با»

«روزنامه مقدس»

«قیمت اشتراک»

(سالانه -- شش ماهه)

«هند - و برمه»

(۱۲ روپیه -- ۷ روپیه)

«ایران - افغانستان»

(۴۰ قران - ۲۵ قران)

«عمان - و مصر»

(۵ مجیدی -- ۳ مجیدی)

«اروپا - و چین»

(۳۰ فرنک - ۱۷ فرنک)

«روس - و ترکستان»

(۱۰ منات - ۶ منات)

جبل التین

سنه ۱۳۱۱

«قل از دریات نمودن فقص اداره»

۳۰ می (۱۹۰۴ میلادی) (خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید) (۱۰ منات - ۶ منات)

«در این حربده از هرگوه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد مافی تحت میشود»
«بیچ مراسلات عام المصنه معبول و در انتشارش اداره آرادست»

«فهرست مدرجات»

- سیاسی • تاگرافات • مکتوب نوشهر • خطبای
- شاهزاده آراد کمال الدوله دهلوی • ترجمه از روزنامه
- شریعه المؤید • شرح حال منزل کروباکین • نقل
- از روزنامه شریعه مطهری • مکتوب از نادگوبه •
- مکتوب از کرلای معلی • داستان روسیا • مکتوب
- روسیه • اصلاحات حدیده یا خیالات عالییه • مکتوب
- دیشان • بقیه تاگرافات •

«سیاسی»

آنجی از رشحات قلم و سیاق کلام سیاسیون طاهر
 میشود دولت روس تا امروز ندانسته یا دانسته خود را
 را اینگونه مهالك پنداخته و ندیده بود - چه بقول
 دانشمندان امریکا جنگ ژاپون دولت روس را از جنگ
 نابلیون بزرگتر و اهم تر است - عجب تر آنکه بموجب
 اطلاعات کامله که روزنامه (طمس) لندن حاصل نموده جمیع
 قشونیکه امروزه منزل (کروباکین) سپهسالار دولت
 روس در اقصای شرق میتواند در مقابل ژاپون آرد
 زاید از یکصد هزار نیست - حتی دولت ژاپون را
 این تصور نبود بلکه دولت روس در اقصای شرق
 تا این درجه غنی میگردد باشد این همه پیشرفتی را که

دولت روس در اقصای شرق نموده بپاهو و باندی
 اسم بوده

عجب تر آنکه آنچه تاکنون ظاهر شده استعداد بحری
 روس با ایسکه در مسائل رقیب بسیار ناقص و مشهور
 طالبان بود از تدارکات بری دولت مشارالها بیش است -
 چه در میسادهن بری آنچه ظاهر شده دولت روس
 با دارة عبرمستعد است که بخود داری و دفاع بیز مقتدر
 میباشد - در هر میدان که ژاپون روی آورده لشکریان
 روس قبل از جنگ فرار کرده و یا پس از اندک مقابله
 عقب نشسته اند - این مراتب جمله دال است بر این که
 دولت روس اندک مستعد جنگ بوده و تصور نمی نمود
 که ژاپون اقدام بجنگ نماید - دکاوت و دانش ژاپونیا را
 همین يك نکته است که از استعداد و قوای حسی خصم
 کاملاً واقف و از خیالاتش باقصی العایه مطلع بود - و قبل
 از آنکه دشمن بر او تازد و کارش را بسازد بر او
 ناخفته خوبتی را تا در باز ازین دغدغه رهااید دولت
 روس تا دارای سیصد هزار قشون در اقصای شرق شود
 مقتدر را دفاع از ژاپون بخواهد بود - و از يك میلیون
 قشون کمتر اگر در اقصای شرق داشته باشد بر دشمن
 غلبه خواهد نموده با این همه شکنهای بی درپی لشکریان

روس و عدم جمعیت اسباب - مهیا نمودن این مقدار قشون برای روس سردست از محالّات معلوم می شود دولت روس بقسمی که حالا در تهیه و تدارک قوای بری و بحری خود بر آمد. کمتر از شش ماه مهات نمیخواهد که بتواند در مقابل خصم بالمساوات بایستد ازین رو ظاهر میشود که این رشته سر دراز دارد - یعنی این جنگ باین زودبها خاتمه نخواهد پذیرفت برحی که ازعوالم سیاست چندان بهره ندارند چنان تصور میکند که طوالت جنگ عاقبت مورت فتح و نصرت روس تواند گردید - و حال آنکه از روی میزانیکه برای مصارف یوریه روس معین شده دولت مشارالیه را ابد آن قدرت و حیثیت نیست که بتواند این جنگ را تا دیر بار برپا دارد -

دولت ژاپن در مجبوحه جنگ بر طالیان حیثیت مایه و اعتبار داخلی و خارجی خود را نموده از درجه برای بدست آوردن میزان اعتبار خویش جزئی قرض خواست چنانچه چندین معادل آنچه قرض خواسته بود اهالی لندن و امریکا عرض داشت برای ادای آن پیش نمودند - اینک هران اعلان قرض در خارج دهد هر قدر بخواهد بدون تأمل و درنگ حاصل میتواند نمود - اما برای نمودن ثروت مملکت و اعتبار خویش نزد ملت خود استقرار داخله را موضوع بحث نموده پس ار چند مجلس مباحثه باصرافان و صاحب نرونان یکصد میلیون سکه (بن) که مبلغ بسیار هنگفت است استقراض حاصل نمود

یکی از سیاستمدان ژاپن می نویسد که مصارف دولت روس در جنگ اقصای شرق چهارم تا بل ژاپن است یعنی هرگاه ژاپن یک دینار خرج نماید روس باید چهار دینار خرج کند - علاوه بر این دولت روس اندازه قشون موجوده ژاپن که میتواند در میدان جنگ آرد و بالغ از یک و نیم میلیون روپهمرفته می شود نمیتواند در اقصای شرق لشکر بفرستد گذشته ازین حیثیت مالی و ثروت ملی ژاپن در مقام خود از روس بد درجات شق بالاتر است و ملت ژاپن آنچه دارند از طالع و جان در راه دولت و عزت ملی خود بی دریغ بذل می نمایند - بر خلاف روس که غالب ماتش برعکس او و جنگند - امروز روز آنچه را دولت روس و لولو قبیل باشد

از مات حاصل نماید بقوه جبریه است و قوای جبریه را هیچگونه بقا و دوامی نیست - با این همه دولت ژاپن تدارک جنگ را برای دو سال قبل از شروع جنگ دیده و در بین این دو سال هرگاه فیصله فتح و شکست نشود باز میتواند تدارک دو سال دیگر جنگ را به بند - ازین رو در صورتی هم که جنگ بطول انجامد - فقط طوالت جنگ را برای روس اسباب فتح و طر تصور نمیوان کرد - خصوصاً در صورتیکه ژاپن نصف میدان جنگ را بره و تا درجه میتواند از آن متمتع شده بعضی از جا حلی های مصارف جنگ را بر نماید

روسها هنوز بهان خیالات بلند و حقیر شمردن دشمن و حرفهای بزرگ زدن و یاد از فتوحات سابقه خود نمودن و خصم را باین - مخان مرعوب ساختن برقرار اند - ولی ژاپنیهای زیرک هوشیار در منتهای اطمینان و استقلال و نرمی و سکوب خصم را بحرکات دلبرانه و حملات شجاعانه مرعوب خویش ساخته و می سازند چنانچه میتوان گفت قشون موجوده روس در اقصای شرق همه مرعوب اشکریان ژاپنی شده اند - و ازین قشون مرعوبه هیچ کاری از پیش نرود و تا وقتیکه از نو دولت روس تهیه کامل بیند و خصم را از پای در آورد ژاپنیسان بتمسود خود نائل گردیده اند

این مسئله تا یک درجه تسلیم شده است که تا آخر جنگ روس و ژاپن دول فرنگ بی طرف خواهند ماند و این نکته برار تدابیر امریکا و انگلیس مصدق آمده است دولتین فرانس و انگلیس نایل اند که با میانی نموده دولتین متنازعین را راغب بصلح نمایند - و هرگاه دولت روس تا این پایه شکست ندیده و در عالم مفتضح نشده بود قبول میانجیگری و مصالحت مینمود - ولی دولت روس میداند چنانچه صلح ایتالی با حبش دولت ایتالی را از مقام عظمت و بزرگی تنزل داد همین قسم است اگر روس امروز تسلیم بصلح با ژاپن نماید - دولت روس منتهای سعی را دارد که بهر قسم تواند تلافی از ژاپن بیرون آورده از آن بعد اقدام بصلح نماید و با این اسبابهای طاهره که شبه از آن ذکر شد مشکل است بدین زودی روس تلافی طاقت را بتواند نمود - بدین مناسبت میتوان گفت چنانکه جنگ اقصای شرق خیلی

به طول خواهد انجامید و طاقت به پیش آید و فتح نصیب که شود حکم قطعی نمیتوان نمود.

من جمله مسائلی که جالب نظر دقت سیاسیون گردیده همانا اقداماتیست که دولت (آتریا) بدون ضرورت در تدارکات جنگی خود مینماید. چون مسئله مندونیای در پیش و مخالفت با عثمانی در میان است نظر توجه غالب سیاسیون بچنگ آتریا و آترامملوف شده. ازین است که دولت آتریا صرف مبالغ بسیار هنگفتی را برای تدارکات جنگی از پارلمان استیذان نموده و تدارک جنگی خود را نیز در سرحدات عثمانی دیار و می نماید. از طرف دیگر دولت عثمانی نیز به تهیه جنگ و اضافه قشون دوسرحد مشغول است و حکم بجمع قشون و تدارک لشکر و تشکیل اردوهای بزرگ در هر نقطه مملکت داده است. - حق در عراق صرب نیز تهیه و تدارک قشون دیده می شود. برخی از عراقی ها را کمان این است که تهیه و تدارک قشون عراق صرب محض سرکوبی بن مبارک شیخ (کویت) است چه از قرار مسوع مجدداً با امیر جبل بنای سقیزه را نهاده و بر او چیره شده است. مضمون است که هرگاه جنگ میان عثمانی و آتریا محدود ماند فتح مرعثمانی را خواهد بود. ولی از زمزمه رجال انگلیس و بهانه جوی دولت فرانسه ظاهر میشود که هرگاه (آتریا) اقدام بچنگ عثمانی نماید دواتین مشارالیه باطناً طرفدار (آتریا) خواهند بود. و اگر ظاهراً نیز تأییدات جنگی با آتریا نه نمایند چونانکه همراهی با یونان نموده و دولت عثمانی را از جیدن ثمرات فتح باز داشتند درین میدان نیز همان مسلك را اختیار خواهند نمود با این همه کمان نیروی دولت (آتریا) منفرداً بچنگ عثمانی مبادرت نماید.

یکی از ارباب سیاست انگلستان را بیان این است که بر طبق امور طبیعی و وفق اسباب ظاهری دولت ایران قبل از ژاپون باید پای بدامته تمدن نهاده در ترقیات ملیه و دولیه معلم جمیع آسیایان گردد. - فقط مواضع داخلی و جهالت و تفاق اهالی دولت ایران را ازین سعادت عظیم و نیک نامی بزرگ باز داشته این اقتضار مر ژاپونیان را حاصل آمد.

ولی چون جمعیت اسباب ایرانیان متفق نشده و ملحق و عایق ترقیات ایران مرتفع گردیده تسلیم باید نمود که

دوم دولت و ملتیکه ترقی و تمدن اروپا را در آسیا بدرجه کمال رسانند مات و دوات ایران خواهند بود. از خیالات عالی این پادشاه و افکار بلند وزیر اعظم حالیه ایران و تدابیر صائیه که در پیشرفت کارهای داخله و خارجه شده میتوان نتیجه حاصل نمود که ده سال پیش نخواهد گذشت که دولت ایران همان مقامی را که دولت ژاپون یافته حاصل نماید. علاوه از آن ایران در موقعی واقع شده که چون ترقی نماید جمیع اهالی آسیا را به ترقی سوق خواهد داد باز هم باید سابق و معلم ترقیات آسیا را ایران دانست نه ژاپون.

تلگرافات

(۲۸ صفر - ۱۵ می)

❖ جماعتی از اهل صلیب و دعاة مسیحی که بسرخ نشان معروف و بهمدردی اسنان مشهور و بمناسبت جنگ در اقصای شرق موجود اند - از سلوک و حرکات ژاپونیان با مجروحین روس در جنگ (یلو) تمجید و تعریف می نمایند.

❖ یکی از سرداران روس مخبر (روتر) را در (نیوجوانگ) ملاقی شده اظهار داشته است که روسها در (هاربن) توقف نموده تا قشون کنگ بدیشان ملحق شود از آن بعد بجانب جنوب حرکت خواهند نمود.

(۲۹ صفر - ۱۶ می)

❖ امروز عصر اعلیحضرت امپراطور روس از پترزبرگ بجانب (خیف) و (خارکوف) حرکت فرموده تا قشونیکه بجانب اقصای شرق حرکت مینمایند وداع گویند.

❖ روزنامه (استندرد) تلگرافی از (نیت سن) یافته است که دوات روس (کویاتسکی) و (سویاناشک) را از قشون خود تخلیه نموده چنینها متصرف شده حفاظت می نمایند.

❖ لشکریان ژاپنی که در دو جانب دره (می نیابنگ) تدارکات اشتغال دارند همین که موقع می یابند سپاهیان و لشکریان روس را اسیر و دستگیر می نمایند.

❖ روزنامه (دیلی کرانکل) از (نوکیو) خبر میدهد که ژاپونیا در قرب بندر (آرتر) رسیده نوبهای بزرگ قلعه گیر و تدابیر پورش بر بندر مذکور را کامل دیده اند.

§ اخبارات روسی درباره جنگی که بین لشکریان روس و ژاپون در دره (می نیابنگ) واقع شده اظهار مبدارند که اهالی (هانوز) نیز بجایه ژاپونیان بر قشون روس حمله نمودند

§ در قرب سواحل (کر) یکی از کشتیهای ژاپون بسرنگ دریائی مصادم شده خراب و هشت نفر هرق شده اند

§ (مسیو دومر) رئیس هیئت اعضای بودجه فرانس در مهمانی رسمی پاریس اعتراض سخت نموده است بکسانیکه از ملت فرانسه حامی و طرفدار روس اند. و علی الرؤس اظهار داشته که برای دولت فرانسه امکان ندارد در جنگی که بین مغربیان و مشرقیان واقع است طرفداری زرد رویان نماید

(ساخت صبر - ۱۷ می)

§ دولت چین مجدداً اعلان داده که در مناقشه روس و ژاپون تا خانقه جنگ بی طرف محض خواهد بود - و هیچگاه ازین مسلک انحراف نخواهد ورزید مجدد این مسئله را بجمع سفرای و نمایندگان دول اظهار داشته تا ابواب بهانه جوش مغربیان تا درجه مسدود شود

§ (جنرال بیاک) تلگرافاً خبر میدهد که حرکت لشکریان ژاپون از (لیایانگ) برای آن بوده که در (هیچنگ) قوای جنگی خود را زیاد نمایند

§ حملات بومی را که در کشتی راجم بانگلیس بود ژاپونیا بشبه روس گرفتار نموده و نیز در کشتیهای آلمان بدین شبهه جمی را گرفتار کرده اند

§ دولت روس جنوب منچوریا را کاملاً تخیه نموده ژاپونیا متصرف می شوند و در بیرون آوردن سرنگهای دریائی که روسها در رودخانه (کر) تعبیه نموده ژاپونیا معضی المرام گردیده اند

§ (لارد کرزن) فرمانفرمای هند با کمال احتیاط وارد لندن شده و برای دیدار او را استقبال کرده در قصر (بکینگم) بملاقات امپراطور پادشاه و ملکه مفتخر گردیده خیلی مورد مرحمت و توجه ملوکانه گردید

(غره ربيع الاول - ۱۸ می)

§ مخبر (روتر) از (مکن) خبر میدهد که حرکت

قشون ژاپونی زیاد بجانب (هیچنگ) و (کینگ) ملاحظه می شود و دسته های کوچک نیز بطرف (لیایانگ) دیده می شود ازین رو مظنون است که جنگی بسیار عظیم همین ايام واقع گردد

§ سه سالار کل قشون روس در اقصای شرق (جنرال کروپاتکن) به بتسویگ خبر داده که دولت ژاپون در دو قطه جنوبی (کینگ) با کشتیهای جنگی قشون بخاک می آورد و بجانب (کینگ) در حرکت اند

§ مخبر (روتر) از (نوکیو) خبر میدهد که لشکریان ژاپون از پنجم الی هیجدهم شهر جاری پنج ایستگاه راه آهن بندر (آرتس) را متصرف شده و خراب کرده و شکستهای متواتره بروسها داده و از قشون ژاپون نیز یکصد و چهل و شش نفر را بقتل رسیده اند

§ مخبر (روتر) از (جینفو) خبر میدهد که قشون ژاپون را در چینیکه بجانب (نیوجوانگ) حرکت داشتند مقابله شدیدی بامشکریان قلعه گیر روس پیش آمده آنها را شکست بن داده فرار داده اند و حا و مقامشان بقبضه ژاپونیان در آمده است

§ اعلی حضرت امپراطور روس (جنرال سامولویچ) فرمانده جنگ (بلو) را بمنزول و سردار دوم اردوی (سایبیا) جنرال (کیل) را بعهده وی بقرار داشتند

§ تخمین نموده اند که مصارف یومیه روس در جنگ اقصای شرق سه مایون منات میباشد (طن غالب است که يك صفر در این عدد زیاد شده باشد)

مکتوب از بوشهر

جو خوش باشد که بعد از انتظاری به امیدی رسد امیدواری

روز یکشنبه ۲۱ شهر صفر چهار ساعت بغروب مانده جناب دریایی بدون طنطنه و دبدبه حکومت بایک نفر بوسکر رونق افروز مدرسه سعادت مظفری که از تأسیسات مقدسه خودشان است شده در دور که جمعی و متعلمین هیکل فیض بخش ایشان را دیده بطور نظام در دو طرف خیابان مدرسه ایستاده صدای زنده بادشاه و پاننده باد دریایی و طب اللسان شده بایک به اطباقهای مدرسی خودم قرار گرفتند - خایه دریایی بایک از اطباقهای مدرسه رفته توفیق دروسها را ارازم نموده

باطفاق بزرگ نزول فرموده از هر اطاق چند نفر شاگرد آمده مختصر امتحانی داده بعد بیست اجتماع اطفال صف بست خطبه تهنیت ورود و دعاء گوئی ذات اقدس شهبازی و حضرت مستطاب وزیر اعظم را میرزا رضا که طفل هشت نه ساله است در کمال فصاحت قرائت و مجدد بزده باد شاه و پاینده باد دریایی هم آواز شده جناب دریایی در کمال عذر خواهی بجاه وطن برسم اعلام برای کاغذ و قلم اطفال مرحمت فرمودند

خطابه شاهزاده آزاده کمال الدوله دهلوی

(از شماره ۲۲)

عنوان پنجم

ای جلال الدوله - در این قطعات مسکونه ارض و اقالیم سببه که ملل مختلفه سکونت و انواع و اجناس مختلفه اند - جنس ققازی که در اصطلاح اروپا (قوقاس) میگویند از سایر جنسها ممتاز و اصیل تر و خوش قیامه تر میباشد. انداز و ترکیب دماغشان کاملتر از سایر جنسهاست - مراد از جنس قوقاسی نه همین سکنه حالیه آنجاست اروپاییها ایرانیها و اکثر ممالک آسیا را جزء قوقاس میخوانند. ولی زنگی و جنس جنس دیگرند بدن معنی که از یک جنس اولیه اصیله نبوده اند

معنی دیگر جنس خون و کیفیات طبیعی و آثار ایشان است - مانند اینکه در بلاد بسیار حار ترکیب شیمی خون و کیفیات طبیعی آن با بلاد بارده تفاوت کلی دارد - و این دقایق را طیب دانا و حکیم طبیعی دان کامل خوب تمیز میدهد - در اینکه هوای صاف ایران مولد خون صالح و آب و هوای لطیف آن حافظ صحت است تا حال احدی از اطباء فرنگستان تردید و تشکیک نکرده

از اسباب قوام و اعتدال خون و جنس تربیت و تمدن متبادی است - چنانچه دیده شده است که ملل وحشی خون و جنس ایشان خنق ترکیب قوه دماغیه شان با ملل متعده فرق و تفاوت کلی دارد بقیماً خون

زنگی و ترکیب دماغ حبشی را با خون انگلیسی و ترکیب و اندازه دماغ پارسی (تفاوت از زمین تا آسمان است)

ازین پیش نوشتیم که قرنها و عصرها ملت نجیب و قوم قدیم ایران که آنها را ابوالملل میگویند در تمدن و تربیت زیسته و بوده اند - دیگر از معانی جنس الخلاق و خو و عادات يك ملت است - و این اخلاق هم تابع خون و هم تابع تربیت و مدنیت میباشد - پس واضح و روشن است که خون و خوی فلان افغان و بسایر وحشی که در قله های کوه و دره های مهیب و مهول و مرعب و چشمه های شور و جن های محض و زمستانهای سخت و باطلاقیهای پرکل با آن لباسهای خشن دروادیهای هولناک با جانورهای مهمالک سر برده و غذاهای درشت خورده و سخت و بدبختیهای مختلف کشیده و محجور رنج و زحمت را در دنیا دیده با آن خاتم طرف لطیف اروپائی که در بهترین عمارات پاریس با ریباتون شوهران با ثروت و خلق نیکو مونس و جایس بوده و نفیر از حرر خالص نوشیده و بجز شرابه های صافی جانم فزا نوشیده از سحت و نرمی دنیا جز سحت و کمر شوم و نرمی و لطافت تو شکمهای پرندیده و منتهی حرکتش با سکا تا ایستگاه شمند در یا یا قایق نا اترکگاه واپور و کشتی دودی بوده ازین نیز بقلان بازیگرخانه و ازان کوسر بقلان تماشاگاه در تهرج و عینش و عشرت بسر برده این افغان بیانی با آن خاتم فلان همه دانی البته در خلق و خو و رنگ و رو و خون و جنس و هیئت و ترکیب تفاوت و فرق کلی دارند - و حالات و طادات ایشان هیچگونه باهم تناسب ندارد باز تفاوتشان از زمین تا آسمان است -

سر این مسئله غامضه آنکه با مرقد در لایزال مادر طبیعت در هر مقام بهر چه محتاج بوده اسباب ایجاد آنها فراهم آورده - مثلاً از برای حیوانات درنده کوه گرانده جنگلهای تیز و قوی که در دریدن و بریدن و باوه کردن کار خنجر و کارد و الماس و نیشه را مینماید تهیه و تدارک کرده -

بلکه حیوان است که در هر جا از هر چیز که میزنند و دفع آبرایند یا نمیتواند برای آن خاضع و خاشع شده چاره اشرا در تضرع و التماس و نیایش و نیاز داشته شروع بعجز و لابه مینماید. از این است که هر ملت بار بار در زمان توحش عرشی مدعش و مرعب را بواسطه نداشتن باعث و علت آن بزرگ شمرده مر آنان را نیایش و ستایش و تعظیم و تکریم کرده اند مانند طفل خوردسال نادان که از هر چیز میترسد بگره وزاری و عجز و لابه بناهنده میشود ملت ایران هم در زمان جهالت و وحشگری خویش چیزهای مرعب را دیو مینامیده و مر آنرا نیاز مینموده اند

دیو همان لفظ فرس قدیم است که حالا از زبان پارسی باستان در لسان فرانسه باقی مانده و آنرا (دیو) میگویند و اسم خدا میخواهند. جملاً (دیو) را پرستش میکردند خورد خورد این ریشه در ملت ایران در ختی بزرگ گردید و از هر چیز خورد یا کلانی که وا همه نموده و غمگین شده میترسیدند برای آن ستایش خاص و نیاز و عجزی مخصوص مقرر داشته. مانند بخاک افتادن که سجده و سر فرود آوردن که رکوع و دست بعجز و نیاز برداشتن که دعا و قنوت باشد. و تملق گفتن و اظهار لابه و زاری نمودن که مناجاست و کشتن گاو و گوسفند که قربانی کردن و یکنوع نوازش است. چنانچه از برای مهبان گرامی نیز تاکنون در بعض ملل قربانی مینمایند و بذل مال که زکوة است و سایر انواع و اقسام پرستشها و نیازها که بصور و اشکال مختلفه در هر عصر و ملت برسم آنان عبادت شده همه تملق و عجز و لابه است. حتی روزه گرفتن که اسباب جلب رحم شخص ظالم و ستمگر است

از اینجه بود که هر ملت در زمان وحشگری خویش عبادت مخصوص برای چیرهای مرعب و مهول داشته اند. چنانچه الان هم در وقت گرفتن آفتاب هندوها غل میکنند و مسلمانان نماز میگذارند و آفتاب پرستان ساز مینوازند **انك انك**

چنانچه برای هر قوم و ملت بزرگ و رئیس و پادشاهی هست از برای دیوان هم ایرانیان باستان بزرگ و رئیس تصور نموده که تمام آنان در تحت اقتدار و فرمان اویند و آنها را پادشاهت - اسم این دیو بزرگ که پادشاه همه دیوان و فرمان فرمای آنان است (مهادیو) یعنی بزرگ دیو گذاردند. و در بلاها و سختیها و شداید و بد بختیها پادشاه بزرگ دیوان پناه برده او را ستایش مینمایند

(مهادیو) را صرهبها و اقوام بیگانه (مخادیو) میگفتند و کم کم چنانچه رسم و شیوه زبان است (مخادیو) تخفیف یافته (خدیو) شد که الان هم پادشاه مصر را خدیو میگویند و خداوند کار محقق (خدیوند کار است) که (خون کار) شده و این اسم نیز مانند لفظ قروش که سابقاً عرض شد. در مرتبه دوم که بایران باز گشت (خدا) گردید که اینك مفهوم این لفظ اسم جلاله است خلاصه و قتی که این درخت اعتقاد بدیوان و مهادیو در ایران ریشه دار و بارور شد که هر شی و چیز مرعب و مهول را از مهادیو دانستند برای عیشها و پوشها و سرورها و خوشیها نیز مبدعه و باعث جدا تو هم نموده که آنان هماره با دیوان در جنگ و ستیز و کش مکش و آویز میزیستند و این قوم را (پرشته) نامیدند که در جاهای با نزهت و صفا و رودهای با لطافت و خوش هوا و کوههای سبز و خرم و جنگلهای انبوه و لطیف و چشمه سارهای پرازجن و گلستانهای پر لاله و سپر غم منزل دارند. و باین مناسبت آنان را تشبیه بمرغان خوش الحان که درین قسم مکانهای دلفرا آشیان میگویند نموده و از این رو آنرا (پرشته) و (پرشته) و (فرشته) گفتند. و برای ایشان نیز نیایشهای مخصوص و ستایشهای مخصوص قرار دادند. چنانچه که الان در میان محوس ایران از برای پرین جشنها و مهمانیها و قربانیهای مخصوص دارند محض از دیاد بصیرت خوانندگان قصه از ایشان در این جا حکایت میشود (باقی دارد)

ترجمه از روزنامه شریفه

المؤید

شرح حال ملت و دولت و مملکت ژاپون

روزنامه شریفه (المؤید) منطبقه مصر شرحی بقلم دو نفر از دانایان مصری نگاشته در چند نمره شرح و بسط داده برای ملاحظه و مطالعه هموطنان عزیز به ترجمه اش مبادرت نمودیم و این مسئله راجع است به شرح حال ملت و دولت و مملکت ژاپون -

اول توضیحی است که از مملکت ژاپون در این زمان اخیر مפור شد سرعت ترقی و تقدم در صناعت و تجارت و تربیت و قوای عسکری او برآ و بحرآ بود - بحیثی که محل حیرت جمیع ملل گردید - ژاپونیان بواسطه قرن نوزدهم گذشته تمدن غربی را بمملکت خود سوق داده درهای ترقیات اروپا را بروی ملک و ملت خویش باز نمودند - و می و بحسب نگذشت که با بزرگ ترین دول اروپا کوس مقابله زدند - بعد از آن که دولت ژاپون بر مملکت چین منصور و مظهر شد در جنگ سال (۱۸۹۵) یومانیو مشهرت او زیاد گردید - و باین اندازه اکتفا نکرده بلکه اقدام کرد در مقابله با یکی از دول معظمه مغرب که در اعداد نمره اول دول محسوب است و جمیع ملل روی زمین را متوجش ساخته است - حجت ژاپون در این جنگ ایست که امتداد تساط روس در شرق اقصی موجب خطر عظیم بر تمیش و زندگی و استقلال مملکت میکادو است - و این نکته مورث خرابی پلتیک او و صرفه دولت مزبور است - از این جهت بود که چون دید مخابرات و سؤال و جواب با روس به طول انجامید ابتداء بحنگ و دشمنی کرد که مبادا دشمن او را فریب داده بر او تازد - پس ترك علائق و روابط نمود - در هشتم فوریه (۱۹۰۳) میلادی و در غلبه آن آتش حربی را شعله و رساخت که خدا داند عاقبت آن بکجام منجر شود -

مملکت ژاپون

(و موقع جغرافیائی آن)

ژاپونها مملکت خود را (پلیون) گویند ولی

کلبه ژاپون مأخوذ از چینیان است و این مملکت عبارتست از جزائر زیادیکه عدد آنها به ۳۸۰۰ بالغ و کشیده شده است از شمال شرقی تا جنوب غربی بشکل سه قوس که حدی از آن بطرف آسیا واقع و مشتمل است اولاً در طرف شمال شرقی بر جزائر (کوریا) و ثانیاً در وسطش هشت دسته جزیره های معتبر میباشد و این قسمت مهم مملکت ژاپون است - و مشهور ترین اینها جزایر (شوزو) که (۷۷۸۰۰) کیلومتر مربع که (هندوانیون) که (۱۱۳۱۰۰) کیلومتر مربع و (شیکوک) (۱۷۷۰۰) کیلومتر مربع و (کیوشیو) که (۳۵۵۰۰) کیلومتر مربع میباشد - و ثالثاً در طرف جنوب غربی او دسته جزائر (سیسل) و (یوکیو) و جزیره (فوروزو) که (۳۸۸۰۰) کیلومتر مربع میباشد واقع و مجموع سطح اراضی آن بالغ بر (۴۲۶۳۰) کیلومتر مربع است

این دولت واقع در مشرق آسیا و موقع آن نسبت بقاره آسیا شبیه است بموقع جزائر بریتانیایی عظمی در شمال مغرب اروپا - جدا مکنند این مملکت را از چین دریای چین و تنگه فوروزو - و از (کوریا) جدا میشود بواسطه تنگه (کور) و دریای ژاپن - و از جزیره (خالین) تنگه (پروز) - و از طرف شرق محدود است باقیانوس یا محیط کبیر - و تمتد میشود از طرف شمال تا جزیره (کامچاتکا) و از او جدا میشود بواسطه تنگه کوریل - و از سمت جنوب متصل است بجزائر (هاپین) و در فاصله بین آنها یک رشته از جزائر صغار است -

ارضی ژاپون

اغلب اراضی آن کوهستان است و کوههای ژاپون اغلب برکالی است و چندان ارتفاع ندارد - چنانکه ارتفاع قله جبال آن زیاد از سه هزار متر نیست و محیط است قلل جبالش برف و یخ و معروفترین جبال آن (فورام) و سیرام و ایتسایب است و اراضی کمی در دامنه این جبال واقع و براین آن دائم در حرکت است چنانکه عالی نمیکند که زلزلهای شدید و منسق شدن زمین حادث نشود - و از این است که اهل ژاپون

کنان میکنند که زمین بر پشت ماهی است و اندازه این زلزله موافق صد خانه (توکیو) در سال (۱۸۸۸) یکصد و هشتاد و یکمربه بوده است. و در زلزله بجزری سال (۱۸۹۶) بقرار بست و هفت هزار نفوس تلف شده اند.

سواحل ژاپون

طول سواحل آن بالغ (۲۷۰۰۰) کیلومتر مربع میباشد از این مجموعه یازده هزار در جزائر چهارگانه وسطی است. و آن نقاط سواحل متشکل است از سنگهای قطعه قطعه و بواسطه خلیجهای بسیار و لنگرگاه زیاد و مواضع امن از برای تجارت نیکوست. زیرا که از برای اقامت سدان و کشتیا و محافظت از موج دریا و بادهای سخت عملی است امن.

رودهای ژاپون

چون اراضی آن اغلب کوهستان است چندان رودهایش عمیق نمیشود. و غالب کوتاه و کم عمق است. و باین سبب طغیان آب و فیضان آن بسیار واقع شده موجب هول و فزع میگردد مشهورترین رودخانههای آن (سیتانوجان) است. در جزیره (هندو) که طول آن چهار صد و پنجاه و دو کیلومتر مربع است ورود (توکیو) است که طول آن سیصد (کیلومتر) مربع است. و اراضی مسطح شمال توکیو را مشروب میسازد.

آب و هوای ژاپون

هوای ژاپون دریائی یعنی مرطوب و معتدل است و اگرچه موقع جغرافیائی آن مقتضی همین هوا میباشد مع ذلك نقاطش مختلف است. در جزائر طرف جنوب درجه متوسط حرارت از (۲۶) کتر نیست در تابستان و زمستان همین نسبت است. در (نجازاکی) که با اسکندریه در طول یک خط واقع اند برف و یخ وجود ندارد و در پایتخت آن شهر (توکیو) که در خط جبل الطارق واقع است درجه متوسط حرارت در تابستان از چهار زیاد نشود. و جزائر (یوکیو) همیشه بطراوت و لطافت فصل بهار است برخلاف جزائر (کوریل) که سرمای قطب بران مستولی شده است.

آب و هوای ژاپون مرطوب است و با اینکه از منطقه سرطمان دور است یعنی از نایب انقلاب صینی مع هذا اغلب در معرض بادهای شدید است

در دریای چین و دریای هند در دو ماه ژوئن و ژولیه شش هفته باران میبارد و بسا میشود که باران شدید در دو ساعت متصل می آید و در (نجازاکی) ارتفاع باران بده متر میرسد در (یترو) بهشتاد سانتیمتر بالغ میشود (باقی دارد)

معاهده ژاپون و کوریا

بروزنامه (طمس) از (کامبو) با تاکراف بیسم صورت معاهده ای که بین ژاپون و (کوریا) واقع مخیره شده است و صورت آن این است.

اتفاق و معاهده کردند (ژون سیکوما یاس) مامور سیاسی فوق العاده اعلیحضرت امپراطور ژاپون با (ماژوجنرال پاتش یونجه) وزیر خارجه اعلیحضرت امپراطور کوریا بر مواد ذیل.

اول - نظر بمحافظت و بقاء دوستی بین ژاپون و کوریا و حفظ صلح و امنیت در مشرق الاقصی. حکومت امپراطوری (کوریا) مصاحبت خود را چنین دید. به اعتماد ژاپون و پیروی کردن نصیحتها و اوامر او را در اموریکه راجع بشود باصلاح امور داخلیه.

دوم - محافظت میکند حکومت امپراطوری ژاپون بمقتضای دوستی و صداقت سلامت و راحت خانه واده امپراطوری (کوریا) را.

سوم - حکومت امپراطوری ژاپون ضامن است استقلال مملکت (کوریا) را

چهارم - اگر حادث شود واقعه صکه راجع است بضرر خانواده ملوک کوریا یا آنکه اندک ضرر باستقلال اراضی آن داشته باشد. پس برحکومت ژاپون است که لوازم دفاع آنها در ظرف مدتی که ممکن است فراهم کند. و در آن وقت متعهم است بر حکومت کوریا که اسباب سهولت عبور و ورود و تنفیذ دولت مشارالیه را فراهم آورد. و دولت ژاپون این وقت حق داود که